۸۱۳۷۴

یکسان‌سازی نرخ ارز، تغییر نظام ارزی و ایجاد بازار ارز بین‌بانکی در جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدجعفر مجرد*

مقدمه

مسئله خروج از محیط نظام نرخ‌های دوگانه و چندگانه ارزی و دستیابی به نرخ یکسان ارز در قالب پی‌ریزی شالوده یک رژیم ارزی مناسب سازگار با سایر سیاست‌ها و چهارچوب‌های کلان اقتصادی، از جمله مقولات بسیار مهمی می‌باشد که بسیاری از کشورها ـ اعم از کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه ـ در جهت ساماندهی و اصلاح ساختار اقتصادی کلان خود و گریز از تبعات منفی فراوان ناشی ازاین چندگانگی، آن را از سالیان دور گذشته مورد توجه خاص قرار داده و اقدامات عملی لازم در این باره را به اجرا درآورده‌اند. در واقع، برای این کشورها، ضرورت توسل به این اقدام، نه تنها به عنوان یک اقدام مکمل با سایر سیاست‌ها؛ بلکه در بسیاری موارد حتی به عنوان یک پیش نیاز اقدامات اصلاحی دیگر در بخش‌های پولی و مالی و سایر بخش‌ها مطرح بوده و شرط لازم حرکت در این راستا تلقی شده است. لذا، بررسی‌ها گویای آن است که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا به اقداماتی در این باره دست یازیده و در قالب نظام یادشدهٔ نرخ ارز قرار گرفته‌اند.[1]

---

* معاون ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی.

[1] - به طور دقیق آنکه، بررسی موقعیت کشورها در این باره نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۱ از میان ۱۸۶ کشور در حال توسعه و صنعتی، تنها ۱۳ کشور واجد ساختار نرخ ارز دوگانه و ۶ کشور دارای نظام نرخ ارز چندگانه بوده‌اند.

سازمان اطلاعات و مدارک علمی ایران
تهیه و مدارک

چگونگی نیل به اهداف نرخ ارز واحد و دستیابی به یک نظام نرخ ارز مناسب، باتوجه به شرایط و مقتضیات کشورها در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی کشورها متفاوت بوده و کشورهای باتجربیات موفق در این باره عمدتاً آن را باتوجه به ساختار خاص اقتصادی کلان خود، همزمان با سایر اقدامات اصلاحی ساختاری در بخش‌های گوناگون و مراحل خاص توسعه آنها و درنظرگرفتن سایر اقدامات احتیاطی و مقرراتی به اجرا گذارده و از منافع فراوان ناشی از آن بهره‌مند شده‌اند. منافع میان مدت و بلند مدت این اقدام، در سطح کلان اقتصادی، می‌تواند دربرگیرنده مواردی همچون ارتقاء سطح کل بهره‌وری عوامل و در نتیجه: افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، افزایش سطح سرمایه‌گذاری، بالارفتن کارآیی بخش‌های گوناگون اقتصاد و رشد فزآینده اقتصادی باشد. به علاوه، تخصیص بهینه منابع، افزایش میزان تجارت و ایجاد شرایط یکسان رقابتی برای بخش‌های گوناگون خصوصی و دولتی، و نیز کاهش تورم می‌تواند از جمله پیامدهای دیگر اقدام یادشده باشد که آن نیز در سطح کلان تأثیرات مثبت بر رشد اقتصادی برجای گذارده و در نهایت افزایش سطح رفاه عمومی را در پی خواهد داشت.[1]

باتوجه به مراتب فوق، اهمیت برقراری یک رژیم ارزی مناسب در چهارچوب اصلاح ساختار بخش پولی و بانکی هماهنگ با اصلاحات در سایر بخش‌ها، در حالت خاص کشوری جمهوری اسلامی ایران از دید مقامات پولی کشور پنهان نمانده و از سال‌های دور گذشته همواره ذهن آنان را به خصوص در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به خود مشغول داشته و براین اساس آنها را به اعمال اقداماتی در این باره در طی این دوران ترغیب نموده بود. تا جایی که، مسئله مبادرت به اقدام دستیابی به نرخ ارز واحد حتی مورد توجه قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای اجرا طی سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ قرار گرفت. با این حال، علی‌رغم انجام اقدامات و تلاش‌های فراوان در این باره ـ در سال‌های اوایل دهه ۱۳۷۰ ـ فقدان شرایط و بسترهای مناسب لازم به عنوان یک مانع معنی‌دار در این مسیر و منظور نداشتن مقتضیات خاص کشوری برای آن، موجبات

---

[1] - موضوع چگونگی ارتباط یکسان‌سازی نرخ ارز ـ در قالب سیاست کلی بازنمودن یک اقتصاد ـ با متغیرهای کلان اقتصادی، همچون: اشتغال، رشد اقتصادی، تجارت، سرمایه‌گذاری و تورم و غیره، بحثی است که جنبه‌های مختلف آن توسط محققین اقتصادی به کرّات مورد بررسی قرار گرفته و این نوشته، ادبیات مربوط به آن را در بخش نظری مقاله به اختصار مورد اشاره قرار خواهد داد.

عدم کامیابی اقدامات عملی صورت گرفته در این سال‌ها را فراهم آورد. مخصوصاً آنکه، محیط خاص اقتصاد کلان کشور در مقایسه با سایر کشورها از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار بوده و ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد.

بدین ترتیب، حرکت اول مربوط به سیاست یکسان سازی نرخ ارز ـ به دلیل عدم وجود شرایط یادشده و متعاقب آن عدم اتخاذ برخی سیاست‌های تکمیلی و احتیاطی، بروز دشواری‌ها در حوزه بدهی‌های ارزی خارجی و اداره آن، ایجاد کسری تراز پرداخت‌ها، عدم هماهنگی مابین سیاست‌ها در بخش‌های مختلف و عدم رعایت توالی سیاست‌ها و بروز نرخ تورم فزآینده در سال‌های اوایل دهه ۱۳۷۰ ـ پس از مدتی کوتاه با پیامد عدم موفقیت توأم گردیده و با بروز مجدد دشواری‌های بدهی خارجی و تورم فزآینده، زمینه رجعت مجدد به نظام چندگانه نرخ ارز فراهم آمد. با این همه، در سال‌های بعد از این رجعت، مقامات پولی کشور در بانک مرکزی ضمن تداوم مجموعه ای از اقدامات احتیاطی و مقرراتی در جهت عبور از بحران و تثبیت امور، با نگاه همزمان به اقدامات در زمینه ایجاد شرایط و بسترهای لازم در مورد برچیدن نرخ‌های متعدد ارز و یکسان سازی آن در قالب یک سیستم نرخ ارز مناسب، استراتژی خروج[1] را در این باره مورد توجه قرار دادند.

گام‌های عملی در چهارچوب استراتژی خروج ـ به ویژه در سال‌های بعد از سال ۱۳۷۶ ـ به طور منظم و به صورتی کاملاً تدریجی به مورد اجرا درآمد. این اقدامات، بعضاً در قالب رفع موانع قانونی با تصویب و گنجاندن مواد قانونی مربوط به اصلاح ساختار بخش پولی و بانکی در چهارچوب سایر اصلاحات اقتصادی در قانون برنامه های دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، پس از انجام بررسی‌های لازم متبلور گردیده و برخی دیگر به اقدامات عملی لازم در جهت اصلاح سیاست‌ها، بهبود امور، و اقدامات تازه و هماهنگی‌های لازم مربوط می‌گردید. قابل ذکر است که امور مربوط به ایجاد زمینه های قانونی و اجرائی لازم، تنها با مساعدت و همراهی دو نهاد معظم مجلس شورای اسلامی و دولت محترم امکان‌پذیر بود؛ که این مهم با ایجاد هماهنگی‌های لازم و کمک‌های فراوان آنها

---

[1]- Exit Strategy.

برای اطلاعات بیشتر در این باره، به مقاله زیر مراجعه شود :

- (1998). Exit Strategies, Policy Options for Countries Seeking Greater Exchange Rate Flexibility, *IMF Occasional Paper*, No.168.

حاصل گردید که جای بسی قدردانی دارد.

در راستای پیگیری استراتژی خروج از سال ۱۳۷۶، مقوله مربوط به مهار تورم فزآینده با هدف‌گذاری تورم، برخورد با دشواری بدهی خارجی با برقراری یک مدیریت مطلوب در این‌باره، توجه به اهمیت افزایش ذخایر خارجی کشور با اقدام در جهت برقراری یک مدیریت مطلوب دراین باره و نیز ایجاد صندوق ذخیره ارزی، کاهش کسری تراز پرداخت‌ها و اقدامات هماهنگ با اصلاحات در سایر بخش‌ها ـ به ویژه در حوزه مالی و تجاری و موارد دیگر ـ مورد توجه ویژه قرار گرفته، اقدامات مربوط به کاستن تدریجی تعدّد نرخ‌های ارز با تعیین نرخ‌هایی تازه و حذف بعضی از آنها و برقراری بازار معاملات ارزی در بورس در جهت دستیابی به نرخ یکسان ارز و یک رژیم ارزی مناسب با انعطاف بیشتر به عمل آمد. در نهایت، با فراهم شدن شرایط لازم برای تحقق این امر مهم، سیاست مزبور از ابتدای سال ۱۳۸۱ به مورد اجرا گذارده شد. به علاوه، همزمان با این اقدام مقامات پولی در بانک مرکزی، اقدام دیگری را در جهت نهادینه سازی معاملات ارزی با ایجاد بازار ارز بین بانکی مورد توجه قرار دادند که مقدمات اجرای آن از سال‌های قبل با انجام معاملات در بورس فراهم شده بود.

در مجموع، اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز در جهت نیل به یک رژیم ارزی مناسب در کشور، پس از طی فراز و نشیب‌های گوناگون طی دوره زمانی کوتاه اعمال این سیاست در ماه‌های اولیه سال ۱۳۸۱، بر پیامدهای مثبت این اقدام در ابعاد مختلف آن دلالت دارد و انتظار بر آن است که با ایجاد سایر شرایط و زمینه های لازم در سایر بخش‌ها که اکنون به طور نسبی فراهم آمده است[۱]، این سیاست همچنان تداوم یافته و در جهت تحول هرچه بیشتر حرکت نماید. شناخت دامنه و ابعاد گوناگون نظری و اجرایی اقدام یادشده، توسط دست اندرکاران مربوط و دانش پژوهان نیز برای دریافت نقاط قوت و ضعف آن در جهت رفع کاستی‌ها و تنگناها می تواند در جهت نیل به تحول مزبور یاری رساند.

باتوجه به مراتب یادشدهٔ فوق و به ویژه نکته اخیر، تبیین و نگارش فرآیند چگونگی نیل به اهداف یکسان سازی نرخ ارز، تغییر نظام ارزی و ایجاد بازار بین بانکی باتوجه به تجربه جمهوری اسلامی ایران و مباحث تئوریک ناظر بر مقوله یادشده، هدفی است که این مقاله

---

[۱] – این شرایط دربرگیرندهٔ مواردی همچون: انضباط مالی دولت، ثبات اقتصادی، استقلال عمل بانک مرکزی، مهار و کاهش تورم و اجرای سیاست‌های پولی توأم با سیاست‌های هماهنگ در سایر بخش‌ها می باشد که در ادامه به آن اشاره می شود.

تلاش دارد؛ در بخش‌های مختلف خود آن را ارائه نماید. براین اساس، در بخش اول مقاله، ضرورت‌ها و دلایل انتخاب گزینه سیاستی یکسان سازی نرخ ارز، با توجه به منافع و آثار آن در ابعاد مختلف و بر متغیرهای کلان اقتصادی ـ به ویژه بر پارامتر اشتغال و رشد اقتصادی ـ مورد بحث قرار گرفته و نظام‌های مختلف ارزی و ویژگی آنها بررسی می شود. بخش دوم، به بررسی اقدامات عملی در مورد ایجاد تحول در نظام ارزی کشور پرداخته و با تشریح سیر تحول اقدامات و الزامات و پیامدهای آنها به استراتژی خروج اشاره می‌نماید. بخش پایانی مقاله، بر اقدام «ایجاد بازار ارز بین بانکی» که فعالیت آن از ابتدای سال ۱۳۸۱ در راستای اقدامات گذشته در جهت نهادینه کردن عملیات ارزی و توسعه بازار ارز آغاز شده است، اختصاص دارد. اقدام یادشده که پس از بررسی‌های فراوان کارشناسی به مورد اجرا گذارده شده است؛ حتی می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت تداوم موفقیت‌آمیز اهداف مورد بحث عمل نماید. در خاتمهٔ مقاله، جمع بندی و نتیجه‌گیری مختصر با تأکید بر ضرورت ایجاد شرایط و بسترهای لازم آتی توسط سایر بخش‌ها، برای تداوم و پایداری اقدام مهم صورت گرفته، ارائه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بخش اول: بررسی نظری

در این قسمت، مقدمتاً اشاراتی مختصر در مورد ضرورت و دلایل انتخاب گزینه یکسان‌سازی نرخ ارز در مقابل گزینه نرخ‌های ارز دوگانه یا چندگانه ـ باتوجه به کاستی ها و پیامدهای نظام چندنرخی ارز ـ بر عملکرد اقتصادی کشورها در سطوح مختلف آن صورت گرفته، آنگاه باتوجه به تأثیرات و پیامدهای منفی نظام‌های ارزی دو یا چندگانه نرخ ارز، در مقابل به تشریح آثار و پیامدهای مثبت و منافع ناشی از اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز می‌پردازیم. بررسی نوشته‌ها و مرور ادبیات مربوط به چگونگی ارتباط یکسان سازی نرخ ارز با پارامترهای کلان اقتصادی، همچون: اشتغال، رشد اقتصادی، تورم، تجارت و غیره، در ادامه مقاله در واقع در راستای تبیین پیامدهای مثبت و منافع یکسان سازی نرخ ارز قرار خواهد داشت. ارتباط یاد شده ـ به ویژه در حوزه چگونگی رابطه یکسان سازی نرخ ارز با بهبود موقعیت اشتغال ـ به دلیل شرایط خاص کشور در این باره، واجد اهمیت ویژه‌ای خواهد بود. تشریح ویژگی‌های نظام‌های گوناگون ارزی که امکان به کارگیری آنها وجود دارد، و عوامل مؤثر در زمینه انتخاب هریک از این نظام‌ها در جهت انتخاب یک رژیم ارزی مناسب، موضوع دیگری است که در بخش پایانی این قسمت به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱ـ ضرورت‌ها و دلایل انتخاب گزینه سیاستی یکسان سازی نرخ ارز

اصولاً بحث در مورد سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و انتخاب این گزینه سیاستی، بدون بحث در مورد سیاست نرخ‌های ارز دو یا چندگانه امکان‌پذیر نیست؛ چرا که یکسان سازی نرخ ارز در واقع سیاست حذف نرخ‌های ارز دو یا چندگانه و تحقق یک نرخ ارز واحد برای تمامی نقل و انتقالات ارزی در یک کشور می‌باشد. بنابراین، قبل از بحث در مورد منافع و آثار سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، لازم است که به دو سؤال زیر پاسخ داده شود:

الف ـ چرا برخی کشورها، نظام‌های ارزی مبتنی بر نرخ‌های ارز چندگانه را می‌پذیرند؟

ب ـ آیا سیاست نرخ‌های ارز چندگانه می‌تواند در بلندمدت دوام داشته و مفید باشد؟

در پاسخ به سؤال، نخست باید گفت که بسیاری از کشورهای در حال توسعه کـه عمدتـاً نیز نظام نـرخ ارز ثـابت داشـته‌اند، در مقـاطع زمـانی خـاص در مواجهـه بـا عـدم تعـادل در ترازپرداخت‌ها، به علت ناتوانی در اعمال سیاست‌های پولی و مالی انقباضی مناسب، به منظور متعادل کردن موازنه پرداخت‌های خـود، نـاگزیـر بـه اتخـاذ اسـتراتژی‌های کنـترل ارزی یـا کنترل‌های مستقیم دادوستدهای ارزی شده‌اند. این استراتژی‌ها عبارت است از:

- کنترل غیرمستقیم، از طریق افزایش نرخ تعرفه بر واردات و برقراری یارانه یا جایزه بـرای صادرات.
- کنترل مستقیم دادوستدهای ارزی، از طریق صـدور مجـوز بـرای صـادرات و واردات یـا اعمال نرخ‌های چندگانه ارزی.
- محدودیت‌های مقداری مثل سهمیه‌بندی واردات.
- پیمان‌های ارزی.

هدف کلیهٔ این روش‌ها، تغییر میزان عرضه و تقاضای ارز به مقداری است کـه دریافت‌هـا و پرداخت‌های ارزی در نرخ ثابت شده ارز با هم برابر شود.

به طورکلی، نرخ‌های دو یا چندگانه ارزی، هنگـامی اعمـال مـی‌گرددکـه بخـش تجـارت خارجی اقتصاد با عدم تعادل روبرو بوده و مازاد تقاضای مداوم ارز در بازار حاکم شـده باشـد. در این صورت، مقامات پولی به منظور محدودکردن اثرات تورمی تعدیـلات نـرخ ارز و حفـظ ذخایر ارزی، ناگزیر از اعمال سیاست‌های چندنرخی ارز می‌شوند.

در سیستم نرخ ارز چندگانه، معیار برقراری نرخ‌های مختلف برای انواع کالاهای صادراتی و وارداتی، معمولاً براساس میزان کشش قیمتی واردات و صادرات انواع کالاها تعیین می‌شود. بنابراین، از این دیدگاه، سیاست نرخ چندگانه ارز در واقع یک سیستم خـاص مالیـات/یارانـه است. به این معنی که از واردات کالاهای لوکس و صادرات سنّتی مالیات گرفته و بـه واردات کالاهای اساسی و مواداولیه و صادرات کالاهای صنعتی یارانه داده می‌شود. آنچه این سیسـتم را از سیستم‌های دیگرکنترل ارزی (برقراری تعرفه‌های گمرکی، دادن جایزه به صـادرات و ...) متمایز می‌کند، سادگی اجرای آن در مقایسه با اخذ مالیات‌ها و یا پرداخت یارانه می‌باشد.

علاوه بر الزامات خاص اقتصادی فوق، دلایل دیگری را نـیز مـی تـوان در زمینـه اعمـال نرخ‌های ارز چندگانه ذکر کرد، از جمله آنکه:

* حمایت از صنایع داخلی؛ به این معنی که در شرایط خاص، دولت‌ها به منظور حمایت از صنایع، نرخ برابری ارز برای ورود کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه را کاهش می‌دهند.
* توزیع درآمد و فعالیت‌ها؛ یعنی با استفاده از سیستم نرخ ارز چندگانه، نرخ ارز در مورد بعضی فعالیت‌ها کاهش و برای برخی افزایش یافته و بدین وسیله امکانات به سوی مجموعه‌ای از فعالیت‌های خاص سوق داده می‌شود.

با این حال، بررسی ادبیات اقتصادی نشان داده است که با یک متغیر سیاستی نرخ ارز نمی‌توان به طور همزمان به اهداف گوناگون در اقتصاد نائل شد. برای رسیدن به اهداف گوناگون اقتصادی نیاز به ابزارهای سیاستی بیشتری می‌باشد. به گونه ای که برای هر هدف حداقل یک ابزار وجود داشته باشد.

در پاسخ به سؤال دوم، براساس تجربه کشورهای مختلف باید گفت که به کارگیری نرخ‌های چندگانه ارزی در نظام ارزی چندنرخی در هیچ کشوری به عنوان یک نظام کارآمد به صورت پایدار مورد استفاده قرار نگرفته است؛ بلکه توسل به آن در مقاطع خاص به منظور رفع عدم تعادل در تراز پرداخت‌ها و شرایط حاد تورمی بوده است. به علاوه، این تجربیات نشان می‌دهد که اثربخشی به کارگیری این سیاست‌ها محدود و کوتاه‌مدت بوده است. برخی مطالعات نیز نشان داده‌اند که در مواقع بروز بحران در یک کشور و تأثیر شوک‌های خارجی بر قیمت‌های داخلی، به کارگیری نرخ‌های ارز دو یا چندگانه در جهت کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از افزایش تورم به مدت حدوداً ۶ تا ۹ ماه مؤثر بوده و بعد از آن تأثیر این سیاست به طور قابل توجهی کاهش یافته است.[1] از این رو، تصمیمات مقامات اقتصادی در سال ۱۳۷۴ بر این اساس قرار گرفت که سیستم دوگانه ارزی پس از ۶ ماه مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد.

در مورد اینکه، چرا نظام‌های ارزی چندنرخی، کارآمد نبوده و نمی‌توانند پایدار باشند؟ علت را باید در ضعف‌ها و اثرات نامطلوب این نظام بر عملکرد اقتصاد جستجو کرد. به طور کلی، با توجه به تجربه کشورهای مختلف در به کارگیری نرخ‌های دو یا چندگانه ارزی، ضعف‌ها و نارسایی‌های این نوع نظام‌های ارزی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

➢ نرخ‌های ارز چندگانه یا هر خرید و فروش رسمی ارز خارجی، در نرخی متفاوت از نرخ

---

[1]- Kiguel and Connell (1995).

تعادلی یا نرخ واقعی آن، در واقع یک فعالیت شبه بودجه‌ای[1] محسوب شده و بر بودجه دولت، اولویت‌گذاری در تأمین نیاز بخش‌ها و تأمین مالی عمومی و در نهایت بر تخصیص منابع سریعاً مؤثر واقع می‌شود.

- وضع مقررات و محدودیت‌های ارزی، باعث اختلال در تخصیص ارز و تعیین نرخ‌های ارز چندگانه منجر به ایجاد بازارهای جداگانه ارزی می‌شود.
- در قیمت‌های نسبی ناشی از یارانه‌ها و مالیات‌های تصریح‌شده در سیستم نرخ ارز چندگانه ایجاد اختلال می‌نماید.
- آثار نامطلوب بر تخصیص منابع دارد. زیرا با وجود نرخ‌های چندگانه ارزی و اختلال در قیمت‌های نسبی، قیمت نسبی کالاها و خدمات در داخل کشور با قیمت‌های نسبی بین‌المللی تفاوت فاحشی پیدا کرده و این امر موجب بروز اختلالاتی در تصمیم‌گیری مربوط به تولید، مصرف و سرمایه گذاری فعالان اقتصادی شده و در نهایت منجر به ایجاد الگوهای ناکارآمد تولید، مصرف، و گسترش خدمات واسطه‌گری و غیرتولیدی می‌شود.
- فعالیت‌های سوداگرانه ارزی، رانت خواری اقتصادی و سیاسی ناشی از تخصیص اداری ارز افزایش یافته و باعث بروز ناتوانی در رفع مشکل تراز پرداخت‌ها می شود.
- حفظ نرخ‌های ارزی چندگانه ضمن اینکه مستلزم وضع مجموعه مقررات ارزی خاص خود و دخالت در بازار ارز می‌باشد و این امر به افزایش بوروکراسی می‌انجامد؛ با این وجود، در عمل نیز جداسازی کامل دو بازار ارز رسمی و ارز آزاد مشکل خواهد بود و در نهایت نرخ بازار آزاد نقش مهمتری را در تعیین قیمت‌ها ایفا خواهد نمود.
- اعمال سیاست‌های پولی و مالی انبساطی در شرایط چندگانگی نرخ ارز، به شکل‌گیری انتظارات درمورد کاهش بیشتر ارزش پول ملی از جانب بخش خصوصی منجر گردیده و این امر به تسریع واردات از جانب واردکنندگان و برعکس تعویق صادرات توسط صادرکنندگان انجامیده و در نتیجه، جریان خروج سرمایه افزایش می‌یابد.

در مجموع، می‌توان گفت که نظام‌های ارزی چندگانه در میان مدت و بلندمدت، به شدت انگیزه‌ها و مشوق‌های اقتصادی برای فعالان اقتصاد را تضعیف کرده و با افزایش

---

[1]- Quasi-Fiscal.

سوءاستفاده از منابع ارزی و رانت خواری و تخصیص غیربهینه، از جمله: منابع مختل‌کنندهٔ رشد اقتصادی خواهد بود. به همین دلیل، تمامی کشورهای صنعتی سیاست نرخ‌های ارز چندگانه را به طور کلی کنار گذاشته‌اند و تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه نیز درمقاطع زمانی خاص و تحت شرایط خاص این سیاست را به کار گرفته، اما به تدریج با حذف نرخ‌های ارز چندگانه به طرف یکسان‌سازی نرخ ارز رفته‌اند. از این رو، بانک مرکزی نیز در سال ۱۳۷۷ آغاز حرکت به طرف یکسان سازی نرخ ارزرا اعلام نمود.

در بررسی روند تغییر تعداد کشورها از لحاظ نوع رژیم ارزی مورد استفاده و چندگانگی نرخ ارز طی سال‌های اخیر نیز می‌توان حرکت کشورها از پذیرش نرخ‌های ارز چندگانه به طرف یکسان سازی نرخ ارز را به خوبی ملاحظه کرد. در سال ۱۹۹۳، از مجموع ۱۸۰ کشور، ۴۴ کشور از سیستم نرخ‌های ارز چندگانه برخوردار بوده و از تعداد ۹۰ کشوری که ارزش پول ملی خود را شناور اعلام کرده بودند؛ ۱۵ کشور از سیاست چندنرخی پیروی می‌کردند. یعنی، در مجموع ۳۴ درصد کشورها دارای سیاست شناور چندنرخی بودند و ۱۶ کشور سیاست چندنرخی با نظام تثبیت نرخ ارز را دنبال می‌کرده‌اند. اما در سال ۲۰۰۱، از مجموع ۱۸۶ کشور تنها ۱۹ کشور نرخ‌های ارز چندگانه داشته اند و در این سال از ۱۰۸ کشوری که انواع نظام شناور و انعطاف‌پذیر ارزی داشته‌اند، ۱۰ کشور از نرخ‌های ارز چندگانه برخوردار[1] و ۶ کشور نظام تثبیت یا تثبیت خزنده ارز به همراه نرخ‌های چندگانه ارزی را پذیرفته‌اند. بنابراین، روند فوق در واقع ضمن اینکه نشانه گریز از نرخ‌های چندگانه است؛ بیانگر یک رابطه مثبت بین شناوری ارزش پول ملی و گریز از چندنرخی ارز نیز می‌باشد. هم‌اکنون نیز تعداد انگشت شماری از کشورهای در حال توسعه متکی به این سیاست هستند.

۲ـ منافع و آثار سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز

همانطور که در بخش قبل اشاره شد؛ حرکت از نظام نرخ‌های ارز چندگانه به طرف یکسان‌سازی نرخ ارز، در واقع به علت ایجاد دشواری‌ها و اختلالاتی است که نظام نرخ‌های چندگانه ارزی برای کارکرد اقتصاد یک کشور به بار آورده و اجازه نمی‌دهد که اقتصاد کشور

[1] - افغانستان، سومالی، روسیه، بلاروس، سیرالئون، ازبکستان، نیجر، دومینیکن، کامبوج، جمهوری لائو.

در یک بستر مناسب و در یک شرایط رقابتی یکسان برای کلیه بخش‌ها، اهداف رشد و توسعه را دنبال نماید. به علاوه، این جهت‌گیری در واقع به لحاظ حذف یا کاهش کنترل‌های ارزی است که از طریق اعمال نرخ‌های ارزی چندگانه در نظام مالیات/یارانه صورت می‌گیرد. براین اساس، می‌توان به برخی از منافع عمده ناشی از اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به شرح زیر اشاره نمود:

- ✦ حذف بی‌نظمی‌ها و اثرات نامطلوب نرخ‌های ارز چندگانه بر عملکرد اقتصاد.
- ✦ تقویت بازار ارز و افزایش کارآیی و رقابت در این بازار.
- ✦ بهبود شرایط رقابت در اقتصاد به صورتی یکسان در بخش‌های مختلف خصوصی و دولتی.
- ✦ حذف بی‌نظمی‌های ناشی از فعالیت بازارهای غیررسمی ارز در خارج از مرزها.

در مورد اثرات یکسان‌سازی نرخ ارز باید گفت که در واقع وجود یک نرخ واحد الزاماً تأثیر منفی بر اقتصاد ندارد؛ بلکه انتقال از یک نظام چندنرخی به یک نظام تک نرخی ـ به ویژه اگر نرخ‌های چندگانه قبل بسیار کمتر از نرخ واقعی ارز بوده باشند ـ می‌تواند اثرات منفی به دنبال داشته باشد. این نیز در صورتی است که یکسان‌سازی نرخ ارز با سیاست‌های مناسب پولی و مالی و اصلاحات ساختاری متناسب با اهداف کلان اقتصادی، حمایت نشود. از جمله، آثار احتمالی انتقال از نظام چندنرخی به نظام تک نرخی که می تواند اقتصاد را متأثر سازد، عبارت است از:

- تشدید تورم.
- تأثیر منفی بر بودجه دولت و کسری بودجه.
- تأثیر بر ترازنامه بانک مرکزی و افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی.

در واقع، آثار تورمی یکسان‌سازی نرخ ارز می‌تواند از طریق افزایش بودجه دولت و رشد نقدینگی و افزایش انتظارات تورمی حاصل شود. اما اثرات نامطلوب فوق با اتخاذ سیاست‌های مناسب و رعایت الزامات خاص می‌تواند خنثی گردیده و یا به حداقل برسد. از جمله الزامات و سیاست‌های مکمل حمایتی به منظور حذف یا تقلیل اثرات نامطلوب در این باره موارد زیر قابل ذکر است:

* جلوگیری از ایجاد کسری بودجه زیاد دولت و به ویژه تأمین آن از طریق چاپ پول، با التزام دولت به رعایت انضباط مالی و تأمین کسری بودجه، به روش‌هایی غیر از

استقراض از بانک مرکزی.

* آثار بالقوه انبساطی افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها باید با کاهش مشابه در بدهی‌های دولت به بانک مرکزی خنثی شود.
* اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب در جهت کاهش تورم.
* کاستن از مقررات تجارت خارجی، به منظور تقویت این بخش و جریان سرمایه‌های خارجی به داخل.
* طراحی الگویی جدید برای تنظیم بودجه، به نحوی که حساسیت بودجه دولت نسبت به نوسان نرخ ارز تقلیل یابد (اصلاح ساختار بودجه دولت).

در ارتباط با آثار و منافع سیاست یادشده، در ادامه و در یک بحث مستقل، به آثار و منافع یکسان سازی نرخ ارز به عنوان اقدامی درجهت دستیابی به یک نظام نرخ ارز انعطاف‌پذیرتر و یکی از شاخص‌های بازبودن اقتصاد، به بررسی چگونگی ارتباط آن با شاخص‌های کلان اقتصادی، همچون: اشتغال، رشد اقتصادی، سطح تجارت و سرمایه گذاری و تورم و غیره پرداخته می‌شود. انجام این امر، با مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته توسط محققین و اقتصاددانان مختلف صورت می پذیرد. اجمالاً آنکه ملاحظه می شود؛ سیاست مزبور در یک ارتباط مستقیم با بهبود شاخص‌های یادشده قرار دارد. به علاوه، این همبستگی مثبت حتی در سطح خرد و در حوزه بخشی نیز وجود دارد.

۳ـ ارتباط سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز با افزایش اشتغال، بهبود رشداقتصادی و سایر شاخص‌های کلان اقتصادی

سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز با رویکرد دستیابی به یک نظام نرخ ارز انعطاف‌پذیرتر، به عنوان یکی از اجزاء کلیدی بازشدن اقتصاد یک کشور نقش مهمی را در جهت تسهیل بهبود عملکرد بخش‌های گوناگون و در نهایت ارتقاءسطح رفاه عمومی ایفا می‌نماید. این مهم به ویژه در زمینه بهبود وضعیت اشتغال و کاهش بیکاری ـ مخصوصاً برای کشور ما ـ به دلیل شرایط خاص موجود جمعیتی و نیروی کار آن واجد اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. زیرا مشخصه جمعیتی کشور طی دو دهه گذشته با ویژگی رشد سریع جمعیت از یک سو و رشد بسیار سریع‌تر نیروی آماده به کار به دلیل موقعیت خاص هرم جمعیتی کشور طی سال‌های

در پیش رو توأم بوده است؛ که این امر به عنوان یک چالش جدی به درستی مورد توجه کلیه مسئولین بالای مملکتی و سیاستگزاران و در رأس برنامه های اقتصادی قرار گرفته است.

پژوهش در حوزه ادبیات اقتصادی مربوط به چگونگی ارتباط مابین شاخص بازبودن یک اقتصاد[1] با پارامتر اشتغال به طور خاص و نیز سایر پارامترهای کلان اقتصادی مؤید آن است که بین شاخص یادشده به عنوان یک متغیر وابسته با پارامترهای مذکور یک همبستگی مثبت وجود دارد. سایر پارامترهای یادشده اخیر دربرگیرنده مواردی همچون شاخص رشد اقتصادی، تجارت، سرمایه گذاری، تورم می باشد که در ادامهٔ مقاله، به چگونگی ارتباط شاخص‌های مربوط به بازبودن یک اقتصاد با این پارامترها با استفاده از بررسی‌های صورت گرفته در این باره می‌پردازیم.[2]

بررسی ارتباط شاخص بازبودن یک اقتصاد با متغیر اشتغال، در رأس پژوهش‌های انجام شده در این باره قرار دارد. بررسی‌ها در این باره عمدتاً بیانگر آن است که اولاً: رشد اشتغال در یک ارتباط تنگاتنگ با بازبودن یک اقتصاد قرار دارد؛ ثانیاً: این ارتباط به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. برای بررسی این ارتباط در مدل‌های گوناگون مورد استفاده، دو نکته مورد توجه قرار داشته است. نکته اول آنکه، کاهش کل بهره وری عوامل (TFP)[3] بر اشتغال تأثیر معکوس شدید دارد و لذا یکی از الزامات مربوط به مقابله با معضل بیکاری و همچنین افزایش تولید، بهبود TFP می‌باشد. دوم آنکه، بین ارتقاء TFP با بازشدن یک اقتصاد، یک همبستگی شدید وجود دارد. نتیجه آنکه، هرگونه حرکت در مسیر بازشدن یک اقتصاد تأثیر چشمگیری بر افزایش اشتغال، از طریق بهبود TFP ، برجای خواهد گذاشت.

رومر[4] ارتباط بازبودن اقتصاد با TFP و پیامد افزایش اشتغال را با مثالی ساده در مورد

---

[1] - Economic Openness.

[2] - در اینجا سیاست حرکت در جهت یکسان سازی نرخ ارز و دستیابی به نظام نرخ ارز انعطاف پذیر، رفع موانع و کنترل‌های ارزی و سرمایه‌ای، برداشتن موانع مختلف تجاری، درجهٔ بازبودن یک اقتصاد و موارد مشابه، به عنوان شاخص‌هایی از بازشدن یک اقتصاد منظور شده‌اند.

[3] - Total Factor Productivity.

[4] - Romer

جزایر موریس نشان داده است. وی بیان می‌دارد؛ در حالی که این کشور از سیاست سنتی برقراری موانع تعرفه‌ای شدید در جهت سیاست جایگزینی واردات و تشویق صادرات تبعیت می‌نمود و در حالی که، تنها صادرات آن کشور را محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد؛ ایجاد یک منطقه آزاد صادراتی و تجویز فعالیت به شرکت‌های خارجی، با استفاده از نیروی کار محلی، به افزایش شدید صادرات پوشاک و اشتغال در آن کشور منجر گردید.

در سال ۱۹۹۶ ، دو تن از محققین اقتصادی[1] دریافتند که TFP نقش مهمی را در ارتباط با رشد نیز ایفا می‌نماید. برطبق این یافته دیده شد؛ در حالی که برخی از کشورهای در حال توسعه و صنعتی در مناطق مختلف طی دوره زمانی ۹۴-۱۹۶۰ از نرخ‌های انباشت سرمایه یکسان برخوردار بودند؛ لیکن تفاوت عمده موجود بین نرخ‌های رشد اقتصادی همه جانبه آنان از تفاوت‌های رشد بهره وری آنان ناشی می‌شد که در طیفی از مقادیر ۱/۱ درصد برای کشورهای صنعتی تا ۰/۲ درصد در آمریکای لاتین و تا ۰/۶- درصد در صحرای آفریقا قرار داشت.

در مورد ارتباط TFP با بازبودن یک اقتصاد، بررسی تازه‌تری در سال ۲۰۰۱ صورت گرفته است.[2] بررسی در این باره نشان داده است که کشورهای دز حال توسعه واقع در مسیر جهانی شدن از طریق افزایش تجارت به وسیله کاهش تعرفه ها رشد فزآینده‌تری را نسبت به سایر کشورها تجربه کرده اند. این بررسی، گرچه به وضوح مبین ارتباط رشد با TFP نمی‌باشد؛ با این حال پژوهشگران یادشده ـ با این فرض که کشورهای یادشده با مهیاساختن محیط ارتقاء فن‌آوری بهره وری در این مسیر قرار گرفته‌اند ـ به طور ضمنی، وجود ارتباط مزبور را معقول دآن استه‌اند. این فرضیه براساس یافته‌هایی بوده است که در جدول زیر دیده می‌شود.

بررسی چگونگی ارتباط بین بازبودن یک اقتصاد با رشد بالاتر و TFP توسط ادواردز[3] در سال ۱۹۹۸ ، با استفاده از مجموعه‌ای از اطلاعات تازه به صورت مقایسه‌ای بین ۹۳ کشور صورت گرفته است. در این بررسی، وی با انتخاب ۹ شاخص سیاست تجاری برای نمایش رشد بالاتر TFP در اقتصادهای بازتر و به کارگیری تکنیک آماری رگرسیون نشان داد که

---

[1]- Collins & Bosworth

[2]- Dollar & Kraay (2001).

[3] - Sebastian Edwards

کشورهای با اقتصاد بازتر از رشد بهره وری عوامل کل بالاتری برخوردارند. در این بررسی، استفاده از متغیرهای ابزاری برای برخورد با مسئله درون زایی، سبب طولانی ترشدن بررسی شده بود.

رشد اقتصادی کشورهای غنی، کشورهای حرکت‌کننده در مسیر جهانی‌سازی و کشورهای غیر واقع در مسیر جهانی‌سازی

رشد متوسط[1]	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰
کشورهای غنی	۷/۴	۳/۱	۲/۳	۲/۲
کشورهای در مسیر جهانی‌سازی	۱/۴	۲/۹	۳/۵	۵
کشورهای غیر واقع در مسیر جهانی‌سازی	۲/۴	۳/۳	۰/۸	۱/۴

بررسی دیگری[2] در سال ۱۹۹۲ نشان می‌دهد که ارتباط معنی دار آماری بین رشد و جهت‌گیری به خارج در مورد گروهی از ۹۵ کشور در حال توسعه وجود دارد. مدل مورد استفاده در این باره، رشد تولید ناخالص داخلی(GDP) سرانه را طی دوره زمانی ۸۵-۱۹۷۶ به عنوان تابعی از: نرخ سرمایه‌گذاری، نوسان نرخ واقعی ارز، اختلالات نرخ واقعی ارز (به عنوان شاخص فقدان بازبودن یک اقتصاد) درنظر گرفته بود و نهایتاً دیده شد که نرخ رشد با نوسانات و اختلالات نرخ ارز ارتباط منفی دارد. به عبارت دیگر، یکسان سازی نرخ ارز هم

---

[1] - متوسط موزون با استفاده از وزن جمعیتی.

در این بررسی، تأثیر مثبت تجارت بر رشد پس از کنترل تغییر سایر سیاست‌ها مورد بررسی و تائید قرار گرفت. این نتیجه، هنگامی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به جای تجارت به عنوان یک معیار بازبودن اقتصاد مورد توجه قرار گرفت نیز تائید شد.

[2] - Dollar (1992).

جهت با رشد اقتصادی قرار خواهد داشت. به طور مشابه، دو تن دیگر از محققین[1] در سال ۱۹۹۵ دریافتند که ارتباط معنی‌داری میان رشد اقتصادی و بازبودن یک اقتصاد وجود دارد. برخی محققین[2] نیز با فرض آنکه بازبودن اقتصاد بالابرندهٔ حجم تجارت و جریانات سرمایه‌گذاری خارجی است؛ با استفاده از مدل VAR[3] ماهیت ارتباط مابین: سطح تولید، سرمایه گذاری خارجی و تجارت را در برخی کشورها همچون: برزیل و مکزیک و آرژانتین از اواسط سال ۱۹۹۷ با هدف تجزیه و تحلیل دامنه و منشأ ارتباط بازبودن اقتصاد این کشورها با عملکرد اقتصادی آنها آزمون کردند و در نهایت اظهار نمودند که فرآیند آزادسازی کشورهای در حال توسعه، نه تنها به افزایش سطح تجارت آنها؛ بلکه به توسعه جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)[4] نیز منجر خواهد شد. به علاوه، این بررسی تأثیر معنی FDI بر توسعه صادرات برخی از کشورها در آمریکای لاتین را نیز نتیجه گیری کرده است.

همچنین پیامد ناشی از مطالعات بعضی محققین[5] طی سال‌های ۹۵-۱۹۹۴ بر گرایش کشورهای اعمال کننده کنترل‌های ارزی و سرمایه‌ای به عنوان یک شاخص در مقابل یکسان‌سازی نرخ ارز و بازبودن اقتصاد بر تورم بالاتر دلالت دارد. این در حالی است که در این بررسی بین کنترل‌های یادشده و رشد اقتصادی ارتباط قابل ملاحظه‌ای دریافت نشد. بررسی مشابه دیگر با استفاده از شاخص بازبودن حساب سرمایه برای مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه و صنعتی و کنترل بعضی متغیرها نشان داد که بین تغییرات شاخص یادشده با رشد اقتصادی کشورها وابستگی مثبت وجود دارد.

در مورد چگونگی ارتباط موضوع یکسان سازی نرخ ارز و حرکت در جهت انعطاف پذیری آن با شاخص تورم به بررسی دیگری می‌توان اشاره نمود که طی آن متغیر تورم به عنوان یک متغیر وابسته و متغیرهای کنترل‌های ارزی و سرمایه‌ای و تعدادی دیگراز متغیرها به عنوان متغیرهای مستقل منظور و برآوردهای لازم به عمل آمده است. متغیرهای یادشده

---

[1] - Sachs & Warner (1995).

[2] - Cuadris, Orts, and Alquacil

[3] - Vector Auto Regression.

[4] - Foreign Direct Investment.

[5] - Alesina, Grilli, Melesi-Ferritte

اخیر، دربرگیرندهٔ شاخص‌هایی در حوزه موقعیت کیفی استقلال بانک‌های مرکزی کشورها، متغیرهای بیانگر موقعیت سیاسی دولت‌ها از نقطه نظر جهت گیری و ثبات سیاسی، و نیز متغیرهای مرتبط با: سطح اولیه درآمدی، نسبت کسری بودجه به GDP ، درجه بازبودن اقتصاد و نوع رژیم‌های ارزی آنها بوده است. نتایج حاصل از این بررسی گویای آن بوده است که در حالی که انتظار اولیه (فرضیه) برمبنای وجود یک رابطه معکوس مابین اندازه این کنترل‌ها و تورم قرار داشت، یافته های کمّی پژوهش نشان داد که متغیر وابسته تورم در رگرسیون‌های گوناگون به عمل آمده و آزمون‌های مختلف در یک ارتباط مستقیم و مثبت با متغیرهای: کنترل‌های ارزی و سرمایه‌ای، کنترل‌های مربوط به حساب‌جاری و عملیات چندگانه ارزی قرار دارد. در واقع، پیامد این بررسی آن بود که کنترل‌های ارزی و سرمایه‌ای بالاتر و یا به عبارتی وجود نرخ‌های چندگانه ارزی با ارقام بالاتر تورمی توأم بوده و حرکت در جهت یکسان سازی نرخ ارز و انعطاف پذیری بیشتر آن نهایتاً به کاهش نرخ تورم خواهد انجامید. نتایج حاصل زمانی که بررسی به تفکیک کشورهای صنعتی و در حال توسعه صورت پذیرفت نیز مورد تائید قرار گرفت.

یک پژوهش دیگر[1] در مورد وابستگی کنترل‌های ارزی و سرمایه‌ای با حجم تجارت کشورها در مجموع بیانگر آن است که این کنترل‌ها به عنوان یک مانع معنی دار در مسیر تجارت به حساب می‌آیند. این بررسی که با به کارگیری اطلاعات گروهی از کشورها در سال ۱۹۹۶ صورت گرفته است؛ نتیجه‌گیری فوق را با سطح توسعه کشورها و انواع خاص این کنترل‌ها مرتبط دانسته است. در واقع، پیامد نهایی این بررسی آن است که آزادسازی هرچه بیشتر کنترل‌های ارزی و سرمایه‌ای و یا به عبارت دیگر، اعمال سیاست‌ها در جهت یکسان‌سازی نرخ ارز به وضوح موجبات افزایش حجم تجارت را فراهم می‌آورد.

مراتب فوق گویای این نکته است که اهداف رشد بالاتر GDP و ارتقاء سطح اشتغال می‌تواند به عنوان دلایل عمده خروج از محیط نظام‌های چندگانه ارزی و دستیابی به یک نظام نرخ ارز یکسان مطرح باشد. نتایج تازه‌ترین بررسی صورت گرفته در این باره نیز براین نکته دلالت دارد. در این بررسی[2] موقعیت کیفی ۳۹ نمونه مختلف کشوری تقبل‌کننده

---

[1]- Natalia Tamirisa (1999). Exchange and Capital Controls as Barriers to Trade. *IMF Staff Papers*, March.

[2]- Pierre Dhonte (2002). "Does Exchange Rate Unification Lead to Higher GDP Growth", Memorandum for Files, Aug. 13.

سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز از نظر موقعیت زمانی اجرا و اجـرای موفقیت‌آمـیز سیاسـت یـا عدم کامیابی آن استخراج گردیده و ارقـام کمـی قـابل دسـترس بعضـی شـاخص‌های کـلان اقتصادی آنها در مواردی همچون: رشد GDP سرانه، تـورم، کسـری بودجـه و نقدینگـی بـه تفکیک گروه‌های اعمال کننده موفق سیاست یکسان سازی نرخ ارز یا شکست خـورده و نـیز تفکیک ارقام متوسط سالانه دوره‌های سه ساله قبل و بعد از زمان اعمـال سیاسـت بـه شـرح جداول صفحات بعد تنظیم، و تجزیه و تحلیل‌های لازم در مورد آنـها بـه عمـل آمـده اسـت. نتایج حاصل به گونه ای که دیده خواهد شد؛ بعضاً دربرگیرنده نکات جالبی اسـت کـه ذکـر آنها در اینجا به ویژه در مقایسه با موقعیت خاص کشور در این باره قابل توجه می‌باشد:[۱]

➢ شواهد کمّی مربوط به موارد موفقیت آمـیز اجـرای سیاسـت یکسـان سـازی نـرخ ارز گویای آن است که اعمال سیاست مزبور برای اینگونه کشورها با رشد بسیار بالاتر GDP توأم بوده است. این نکته باتوجه به تفاوت ۲/۹ درصـدی متوسـط رشـد سـالانه ۱۵ مـورد اجـرای موفق سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز طی دوره بعـد از اعمـال سیاسـت یادشـده (۳/۱ درصـد) نسبت به دوره مشابه ماقبل آن (۰/۲ درصد) کاملاً ملموس می‌باشد. تفـاوت یادشـده از نظـر آماری نیز معنی دار است. نکته جالب تر آنکه رشد بالاتر اقتصـادی طـی دوره بعـد از تجربـه اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز نسبت به دوره مشابه ماقبل آن، حتـی بـرای کشـورهای ناموفق اجراکننده این سیاست وجود داشته است. در واقع، همانگونه که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است؛ اینگونه کشورها از رشد سرانه بـالاتر ۱/۸۸ درصـدی طـی دوره بعـد از تجربه اجرای سیاست یکسـان سـازی نـرخ ارز نسـبت بـه دوره مشـابه قبـل از آن برخـوردار شده‌اند.[۲] اگرچه احتمال برابری میانگین نرخ رشد سرانه GDP این کشورها طی دوره هـای یادشده (۱۷/۲ درصد) درمقایسه با کشورهای موفق اجراکننده این سیاسـت (۴ درصـد) رقـم بالاتری را نشان می‌دهد. نتایج حاصل براین نکتـه تـاکید دارد کـه در کـل سیاسـت یکسـان سازی نرخ ارز ـ به ویژه در نوع موفقیت آمیز آن با پیامد ارتقاء کارآیی تخصیص مؤثر منـابع ـ تاثیرات مثبت زیادی در زمینه افزایش رشد اقتصادی و ارتقاء سطح اشتغال برجای می‌گذارد.

➢ بررسی اقلام کمّی شاخص رشد نقدینگـی، مربـوط بـه مـوارد نـاموفق اعمـال کننـده

---

[۱] - ارقام مندرج در جدول ۳ به وضوح نمایانگر پیامدهای این بررسی و تشریح جزئیات بیشتر آن است.

[۲] - ارقام نرخ رشد سرانه GDP این کشورها در قبل و بعد از تجربه یادشده به ترتیب ۱/۴۸- و ۰/۴ درصـد بوده است.

سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز [جداول شماره (۱) و (۳)] بیانگر آن است که اینگونه کشورها در زمان اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز برخلاف کشورهای اجراکننده موفق سیاست یادشده از موقعیت نسبتاً نامطلوبی برخوردار بوده‌اند. به عنوان مثال، متوسط رشد سالانه نقدینگی این گروه از کشورها طی دوره ماقبل اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز رقم ۱۱۵/۷ درصد را نشان می‌دهد که این رقم بسیار بالاتر از رقم مشابه آن یعنی ۲۸/۸ درصد برای کشورهای موفق در این زمینه می باشد. تفاوت زیاد یادشده، مابین ارقام رشد نقدینگی حتی طی دوره بعد از اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز نیز بین دو گروه یادشده، کشوری همچنان پابرجا می‌باشد (۱۲۳/۲ درصد برای موارد ناموفق در مقابل ۳۰/۳ درصد در مورد موارد موفق). متوسط رشد نقدینگی برای مورد خاص موفق اعمال کننده سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز طی دوره های قبل و بعد از اعمال این سیاست حدود ۲۹/۵ درصد بوده و کشورهای واقع در این گروه ثبات بالاتری را از نظر میزان رشد نقدینگی طی دوره های یادشده از خود به نمایش گذارده‌اند.

➢ با آنکه ارقام مربوط به رشد نقدینگی طی دوره بعد از تجربه سیاست یکسان سازی نرخ ارز، حاکی از افزایش آنها نسبت به دوره ماقبل تجربه سیاست یادشده برای هر دو گروه مورد بررسی می‌باشد؛ با این حال، بررسی وضعیت نرخ تورم به تفکیک موارد موفق و ناموفق اعمال‌کننده سیاست را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از مداومت سیاست یادشده درگروه موفق قلمداد نمود. این بررسی گویای آن است که کشورهای ناموفق اعمال کننده سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز طی دوره های قبل و بعد تجربه یادشده از نرخ‌های بسیار بالای تورم برخوردار بوده‌اند. متوسط نرخ تورم طی دوره سه ساله قبل از اعمال سیاست یادشده برای این کشورها حدود ۹۴/۹ درصد بوده است که با یک افزایش معادل ۲۹/۴ درصد به رقم متوسط سالانه ۱۲۴/۳ درصد برای دوره مشابه بعد از اجرای سیاست بالغ شده است. ارقام مذکور در مورد کشورهای اعمال کننده موفقیت آمیز سیاست یکسان سازی نرخ ارز به ترتیب: معادل ۱۸/۳ درصد و ۲۴/۶ درصد می باشد که در مقایسه با ارقام مربوط به کشورهای ناموفق یادشده، مقادیر بسیار کمتری را نشان می‌دهد.[۱]

---

[۱]- جدول شماره (۳) مبین جزئیات بیشتر این ارقام می‌باشد.

جدول شماره ۱ـ بررسی مقایسه‌ای تغییرات کمّی ارقام برخی شاخص‌ها طی دوره‌های قبل و بعد از اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در موارد ناموفق اعمال سیاست*

ردیف	کشور	سال‌های دوره		رشد سرانه GDP		تورم		رشد نقدینگی (درصد)		کسری بودجه به GDP (درصد)	
		ماقبل	مابعد	ماقبل	مابعد	ماقبل	مابعد	ماقبل	مابعد	ماقبل	مابعد
۱	بولیوی	۸۴-۸۲	۸۸-۸۶	-۰/۰۵۹	۰/۰۰۹	۶/۳۳۳	۰/۸۱۲	۶۲۰/۲	۹۳/۰	۱۹/۶	۳/۱
۲	کنگو	۸۳-۸۱	۸۶-۸۴	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۰	۰/۵۲۲	۰/۴۴۰	۶۱/۷	۴۰/۱	–	–
۳	کنگو	۹۰-۸۸	۹۴-۹۶	-۰/۰۵۶	-۰/۱۲۲	۱/۰۳۶	۱۰۸/۴۳۸	۱۲۵/۰	۴۰۴۸/۱	–	–
۴	جمهوری دومینیکن	۹۰-۸۸	۹۶-۹۲	-۰/۰۱۹	۰/۰۳۲	۰/۳۹۲	۰/۰۷۲	۳۶/۳	۱۷/۳	۵/۴	۰/۵
۵	اکوادور	۸۵-۸۳	۸۸-۸۶	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	۰/۳۶۳	۰/۳۷۱	۴۷/۸	۳۸/۱	۰/۶	۳/۵
۶	اندونزی	۷۰-۶۸	۷۳-۷۱	۰/۰۵۵	۰/۰۶۵	۰/۵۱۶	۰/۱۳۹	۸۷/۲	۴۴/۴	–	–
۷	لائو	۷۱-۶۹	۷۴-۷۲	۰/۰۵	۰/۰۲۷	۰/۰۱۵	۰/۳۵۳	۹/۵	۴۲/۴	–	–
۸	لائو	۹۵-۹۳	۹۸-۹۶	۰/۰۴۵	۰/۰۳۴	۰/۱۱۳	۰/۳۹۹	۳۷/۶	۵۳/۶	۳/۹	۷/۰
۹	پاراگوئه	۸۸-۸۶	۹۱-۸۹	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۰/۲۹۰	۰/۳۰۸	۲۵/۳	۵۱/۷	-۰/۳	-۲/۲
۱۰	پرو	۷۷-۷۵	۸۰-۷۸	-۰/۰۱۰	-۰/۰۰۸	۰/۲۹۶	۰/۶۵۹	۲۳/۴	۸۵/۸	۵/۹	۲/۴
۱۱	پرو	۸۱-۷۹	۸۵-۸۳	۰/۰۲۵	-۰/۰۳۹	۰/۶۸۲	۱/۲۷۳	۹۰/۳	۱۲۱/۲	۲/۳	۵/۱
۱۲	پرو	۸۵-۸۳	۸۹-۸۷	-۰/۰۳۹	-۰/۰۶۴	۱/۲۷۳	۱۰/۹۸۳	۱۲۱/۲	۹۱۸/۴	۵/۱	۵/۷
۱۳	ترکمنستان	۹۷-۹۵	۰۰-۹۸	-۰/۱۰۷	۰/۱۱۳	۶/۴۷۲	۰/۱۲۰	۲۹۲/۳	۵۶/۶	۲/۰	۰/۶
۱۴	زامبیا	۹۶-۹۴	۰۰-۹۸	-۰/۰۶۶	-۰/۰۱۴	۰/۴۵۱	۰/۲۳۶	۵۰/۸	۳۹/۷	۳/۰	۴/۹

* کلیه ارقام به درصد، به استثنای ارقام مربوط به سال‌های دوره.

جدول شماره ۲ـ بررسی مقایسه‌ای تغییرات کمّی ارقام برخی شاخص‌ها طی دوره‌های قبل و بعد از اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در موارد موفقیت‌آمیز اجرای سیاست*

ردیف	کشور	سال‌های دوره		رشد سرانه GDP		تورم		رشد نقدینگی (درصد)		کسری بودجه به GDP (درصد)	
		ماقبل	مابعد	ماقبل	مابعد	ماقبل	مابعد	ماقبل	مابعد	ماقبل	مابعد
۱	بولیوی	۸۲-۸۴	۸۶-۸۸	-۰/۰۵۹	۰/۰۰۹	۶/۳۲۳	۰/۸۱۲	۶۲۰/۲	۹۳/۰	۱۹/۶	۳/۱
۲	کنگو	۸۱-۸۳	۸۴-۸۶	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۰	۰/۵۲۲	۰/۴۴۰	۶۱/۷	۴۰/۱	–	–
۳	کنگو	۸۸-۹۰	۹۶-۹۴	-۰/۰۵۶	-۰/۱۲۲	۱/۰۳۶	۱۰۸/۴۳۸	۱۲۵/۰	۴۰۴۸/۱	–	–
۴	جمهوری دومینیکن	۸۸-۹۰	۹۲-۹۴	-۰/۰۱۹	۰/۰۳۲	۰/۳۹۲	۰/۰۷۲	۳۶/۳	۱۷/۳	۵/۴	۰/۵
۵	اکوادور	۸۳-۸۵	۸۶-۸۸	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	۰/۳۶۳	۰/۳۷۱	۴۷/۸	۳۸/۱	۰/۶	۳/۵
۶	اندونزی	۶۸-۷۰	۷۱-۷۳	۰/۰۵۵	۰/۰۶۵	۰/۵۱۶	۰/۱۳۹	۸۷/۲	۴۴/۴	–	–
۷	لائو	۶۹-۷۱	۷۲-۷۴	۰/۰۵	۰/۰۲۷	۰/۰۱۵	۰/۳۵۳	۹/۵	۴۲/۴	–	–
۸	لائو	۹۳-۹۵	۹۶-۹۸	۰/۰۴۵	۰/۰۳۴	۰/۱۱۳	۰/۳۹۹	۳۷/۶	۵۳/۶	۳/۹	۷/۰
۹	پاراگوئه	۸۶-۸۸	۸۹-۹۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۰/۲۹۰	۰/۳۰۸	۲۵/۳	۵۱/۷	-۰/۳	-۲/۲
۱۰	پرو	۷۵-۷۷	۷۸-۸۰	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۸	۰/۲۹۶	۰/۶۵۹	۲۳/۴	۸۵/۸	۵/۹	۲/۴
۱۱	پرو	۷۹-۸۱	۸۳-۸۵	۰/۰۲۵	-۰/۰۳۹	۰/۶۸۲	۱/۲۷۳	۹۰/۳	۱۲۱/۲	۲/۳	۵/۱
۱۲	پرو	۸۳-۸۵	۸۷-۸۹	-۰/۰۳۹	-۰/۰۶۴	۱/۲۷۳	۱۰/۹۸۳	۱۲۱/۲	۹۱۸/۴	۵/۱	۵/۷
۱۳	ترکمنستان	۹۵-۹۷	۹۸-۰۰	-۰/۱۰۷	۰/۱۱۳	۶/۴۷۲	۰/۱۲۰	۲۹۲/۳	۵۶/۶	۲/۰	۰/۶
۱۴	زامبیا	۹۴-۹۶	۹۸-۰۰	-۰/۰۶۶	-۰/۰۱۴	۰/۴۵۱	۰/۲۳۶	۵۰/۸	۳۹/۷	۳/۰	۴/۹

* کلیه ارقام به درصد، به استثنای ارقام مربوط به سال‌های دوره.

جدول شماره ۳ـ بررسی مقایسه‌ای مقادیر کمّی برخی شاخص‌ها طی دوره‌های قبل و بعد از اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز ـ به تفکیک موارد موفق و ناموفق تداوم سیاست ـ

(ارقام به درصد)

شاخص	موارد موفق	موارد ناموفق	احتمال
نرخ رشد سرانه GDP			
قبل از یکسان‌سازی نرخ ارز	۰/۲	-۱/۴۸	ـــ
بعد از یکسان‌سازی نرخ ارز	۳/۱	۰/۴	ـــ
احتمال[1]	۴	۱۷/۲	ـــ
تورم[2]			
قبل از یکسان‌سازی نرخ ارز	۱۸/۳	۹۴/۹	۷
بعد از یکسان‌سازی نرخ ارز	۲۴/۹	۱۲۴/۳	۱۲
احتمال	۲۲	۴۵	ـــ
رشد نقدینگی[2]			
قبل از یکسان‌سازی نرخ ارز	۲۸/۸	۱۱۵/۷	۳
بعد از یکسان‌سازی نرخ ارز	۳۰/۳	۱۲۳/۲	۸
احتمال	۳۸	۴۶	ـــ
نسبت کسری بودجه به GDP			
قبل از یکسان‌سازی نرخ ارز	۸/۸	۴/۸	۱۲
بعد از یکسان‌سازی نرخ ارز	۴/۷	۳/۱	۲۶
احتمال	۱۲	۲۰	ـــ

[1] - احتمال اینکه تفاوت میانگین‌ها صفر باشد (درصد).

[2] - به استثنای کشورهای کنگو و پرو.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خلاصه آنکه نتایج بررسی یادشده ـ به ویژه باتوجه به ۱۵ مورد موفقیت آمیز اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز ـ براین نکته صراحتاً تاکید دارد که اجرای سیاست مزبور با رشد GDP واقعی زیاد و فزآینده، توأم خواهد بود. به علاوه، پیامد یکسان سازی نرخ ارز به گونه‌ای است که حتی تجربیات ناموفق این یکسان‌سازی نیز به لحاظ پیامدهای خاص مربوط به تخصیص موثر منابع با رشد بالاتر اقتصادی و نهایتاً افزایش سطح اشتغال همراه بوده است. در همین حال، موقعیت شاخص رشد نقدینگی و تورم نیز در زمینه اعمال موفقیت آمیز و یا ناموفق یکسان‌سازی نرخ ارز طی دوران تجربه این سیاست، از یک نقش کلیدی برخوردار بوده است.

قابل ذکر است؛ موقعیت کمّی شاخص های یادشده در موارد مربوط به اعمال موفقیت‌آمیز سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز (۱۵ مورد) در مقایسه با مورد خاص یکسان‌سازی نرخ ارز سال ۱۳۸۱ در جمهوری اسلامی ایران بیانگر مشابهت‌های زیادی می‌باشد. به عنوان نمونه، بررسی مقادیر کمّی شاخص رشد نقدینگی در کشور، طی سال‌های قبل از یکسان‌سازی نرخ ارز (۸۰-۱۳۷۹) نشان می‌دهد که متوسط رشد نقدینگی طی این سال‌ها حدود ۲۹ درصد بوده است که این رقم قابل مقایسه با رقم مشابه مربوط به موارد موفقیت‌آمیز اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز ۲۸/۸ درصد، در بررسی یادشده می‌باشد. به همین ترتیب، مقدار متوسط نرخ تورم کشور طی دوران قبل از سال ۱۳۸۱ (۸۰-۱۳۷۴) حدود ۱۶/۵ درصد برآورد شده است[1] که این رقم نیز در زیر حد ارقام مربوط به قبل و بعد از اعمال سیاست مورد بحث در هر دو گروه مورد بررسی قرار دارد.

در نهایت قابل ذکر است که موضوع ارتباط مثبت بازبودن یک اقتصاد و اعمال سیاست‌ها در این راستا، نه تنها با متغیرهای کلان اقتصادی مثل افزایش اشتغال و رشد و غیره؛ بلکه حتی این ارتباط در سطح خرد و در حوزه‌های مختلف همچون: صنایع کشورها، سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات و غیره نیز به طور مکرر توسط محققین مورد بررسی قرار گرفته و وجود رابطه مثبت در این مورد نیز ملاحظه شده است. به عنوان نمونه، دو تن ازمحققین[2] با به کارگیری رویکرد بخشی، در سال ۲۰۰۱ دریافتند که رشد بهره‌وری با بازشدن بخش ارتباطات راه دور کشورها، به عنوان شاخص بازبودن یک اقتصاد، به دلایلی

---

[1]- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره‌های مختلف.

[2]- Varoudaris & Rossotto

همچون: ترغیب تقاضا برای خدمات راه دور، کاهش هزینه‌های ارتباطات، حمل و نقل، توزیع و مالیه، کمک به صادرکنندگان در بالابردن تخصص و فن آوری و تشویق سرمایه‌گذاری‌ها در تکنولوژی اطلاعات صنایع داخلی افزایش دهنده اثربخشی، تولید و تسریع رشد بلندمدت بهره وری ارتباط بسیار نزدیک و مثبت دارد.

۴ـ نظام‌های مختلف ارزی و ویژگی آنها

انتخاب روش ارزش‌گذاری پول ملی (نظام ارزی)، یکی از دشوارترین تصمیماتی است که مقامات پولی هر کشور باید اتخاذ کنند. مقامات پولی کشورها نیز به طور معمول با درنظرگرفتن اهداف خاص و نیز شوک‌های احتمالی موثر بر اقتصاد، باتوجه به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور، نظام ارزی خود را مشخص می‌کنند. به طور کلی، نظام‌های ارزی عمده در جهان و ویژگی آنها را می توان در جدول شماره (۴) خلاصه نمود.

جدول شماره ۴ ـ ویژگی خاص نظام‌های ارزی مختلف

نظام ارزی	تعریف	پاره‌ای ملاحظات
تثبیت به یک ارز	پول ملی به یک ارز عمده (ارز لنگر) تثبیت می‌شود.	تعدیل دربرابری پول ملی با آن ارز به ندرت صورت می‌گیرد. معمولاً ارز لنگر، ارزی است که بیشترین تجارت خارجی کشور با آن صورت می‌گیرد.
تثبیت به یک سبد ارزی *(SDR یا هر سبد دیگر)*	پول ملی به سبد ارزی تثبیت می‌شود.	ارزهای داخل سبد می‌توانند شامل پول طرف‌های تجاری و مالی که بیشترین رابطه تجاری با آن کشور را دارند، باشند. اوزان ارزها نیز می‌توانند براساس میزان مبادلات تجاری و مالی آن کشور با طرف‌های مالی و تجاری خود باشند.

ادامهٔ جدول شماره ۴ـ ویژگی خاص نظام‌های ارزی مختلف

تثبیت خزنده[1]	دراین نظام بانک مرکزی برای دسترسی به هدف ویژه‌ای، نرخ متعادل کنترل‌شده‌ای براساس مبانی مشخص، برای ارزش واحد پول ملی درمقابل سایر اسعار تعیین می‌کند.	این نظام درصورتی دوام خواهد داشت که عوامل بازار در تعیین مسیر مناسب نرخ ارز موافق با نظر بانک مرکزی عمل کنند. تعدیل نرخ ارز نیز می‌تواند براساس فرمول‌های مشخص و قابل‌انتشار باشد.
انعطاف‌پذیر محدود نسبت به یک ارز[2]	ارزش پول ملی در یک محدوده مشخص اطراف نقطه تثبیت به یک ارز واحد می‌تواند نوسان کند.	در این نظام بانک مرکزی برای جلوگیری از حرکت نرخ خارج از محدوده مشخص‌شده، می‌تواند دخالت کند.
شناور مستقل	نرخ‌ها در بازار و بدون هیچگونه دخالت بانک مرکزی تعیین می‌شود.	در عمل، در این نوع نظام‌ها بانک مرکزی بعضاً جهت کاهش نوسانات شدید نرخ برابری بادرجات مختلفی در بازار دخالت می‌کند.
شناور مدیریت شده	بانک مرکزی نرخ ارز را مظنه زده و از آن حمایت می‌کند. اما معمولاً به منظور یکنواخت‌کردن نوسانات نرخ ارز،آن را به دفعات می‌تواند تغییر دهد.	در این نظام شاخص‌ها برای تعدیل نرخ ارز می‌تواند وضعیت تراز پرداخت‌ها، ذخایر بین‌المللی یا هر شاخص مناسب دیگری باشد.

اگرچه نظام های ارزی ـ به صورتی که در جدول شماره (۴) آمده است ـ قابل طبقه‌بندی است؛ اما در عمل سیاست ارزش‌گذاری پول ملی دو کشور، واقع در یک طبقه نیز می‌تواند تفاوت قابل ملاحظه‌ای با هم داشته باشد. به طوری که، در میان کشورهایی که پول ملی خود را تثبیت کرده اند؛ برخی به دفعات ارزش پول خود را تعدیل کرده و عملاً در

[1]- Crawling Peg.

[2] - Flexibility Limited vis-a-vis a Single Currency.

ردیف کشورهایی قرار دارند که روش شناوری را برگزیده‌اند و بعضی دیگرکه روش شناوری را انتخاب نموده‌اند نیز گاهی سیاست‌های ارزی خود را چنان انتخاب می‌کنند که تفاوتی با نظام های تثبیتی ندارند. به هر حال، در میان دو نظام شناور کامل و تثبیت، نظام های ارزی بینابین زیادی وجود دارد که کم و بیش در طبقه بندی فوق قرار می‌گیرند. به طورکلی، عوامل مختلفی در انتخاب نظام ارزی هر کشور مؤثر است:

* درجه باز بودن اقتصاد [۱].
* اندازه اقتصاد (میزان تولید ناخالص ملی).
* تنوع کالاهای عمده صادراتی.
* تمرکز جغرافیایی تجارت خارجی کشور.
* میزان توسعه بازارهای مالی کشور.

با توجه به معیارهای فوق، بررسی‌ها نشان می دهد که نظام ارزی شناور مناسبت بیشتری با شرایط زیر دارد:

- اقتصادهای نسبتاً بسته (کشورهایی که بخش تجارت خارجی نسبتاً کوچک دارند)،
- اقتصادهای بزرگ؛
- اقتصادهای متنوع از نظر تعداد کالاهای صادراتی؛
- اقتصادهای گسترده از نظر حوزه یا توزیع جغرافیایی تجارت خارجی؛
- اقتصادهای دارای بازارهای گسترده مالی توسعه یافته؛
- اقتصادهای در معرض شوک‌های خارجی.

در جدول شماره (۵) مجموعه ای از عوامل مؤثر در تعیین نظام ارزی و مناسبت نظام ارزی آنها آورده شده است.

پرتال جامع علوم انسانی

۱ ـ درجهٔ باز بودن اقتصاد به وسیله سه شاخص: نسبت واردات به GDP یا مجموع صادرات و واردات به GDP و یا میزان خروج سرمایه به GDP می‌تواند مشخص شود.

جدول شماره ۵ ـ عوامل مؤثر در تعیین نظام ارزی در اقتصادهای مختلف

ویژگی اقتصاد	مناسبت نظام ارزی
اندازه اقتصاد (میزان GNP)	اقتصاد بزرگتر و قوی‌تر مناسب‌تر برای نظام های ارزی شناور هستند.
درجه بازبودن اقتصاد	اقتصادهای بازتر جذابیت کمتری برای نظام های شناور ارزی دارند.
تنوع ساختار تولید و صادرات	اقتصادهای متنوع تراز لحاظ ساختار تولید و صادرات مناسب بیشتری با نظام های شناور ارزی دارند.
تمرکز جغرافیایی تجارت خارجی	اقتصادی که بخش بیشتری از تجارت آن با یک کشور بزرگ است، مناسب‌تر است که ارزش پول ملی خود را با پول آن کشور بزرگ تثبیت کند.
اختلاف سطح تورم داخلی با تورم جهانی	در صورت اختلاف نرخ تورم یک کشور با طرف‌های تجاری عمده آن زیاد باشد، نیاز به تعدیلات نرخ ارز به دفعات خواهد بود. بنابراین، در مورد این کشور نظام ارزی شناور مناسب‌تر است. اما برای کشوری با تورم بسیار بالا، نظام ارزی ثابت می‌تواند یک نوع انضباط سیاستی ایجاد کرد و اعتباری بیشتری به برنامه های تثبیت بدهد.
تحرک نیروی کار	زمانی که دستمزدها و قیمت ها به سمت پایین چسبنده هستند، با وجود درجه بالای تحرک نیروی کار، مقابله با شوک‌های خارجی کم هزینه تر و آسان تر است. بنابراین، در این مورد نظام های ارزی ثابت مناسب‌ترمی‌باشند.
تحرک سرمایه و بازارهای مالی توسعه یافته	با درجه بالای تحرک سرمایه، حفظ نظام ارزی ثابت قابل انعطاف مشکل‌تر است. بنابراین، در صورت تحرک بالای سرمایه و بازارهای مالی توسعه یافته، نظام های ارزی شناور مناسب‌ترمی‌باشند.
شوک‌های اسمی خارجی	در نظام های ارزی انعطاف‌پذیرتر، شوک‌های خارجی اسمی شایع‌تر است.
شوک‌های اسمی داخلی (مانند شوک‌های تقاضای پول)	در نظام‌های ارزی ثابت، شوک‌های داخلی اسمی شایع تر است.
شوک‌های واقعی (تغییرات در تقاضا برای کالاهای داخلی)	آمادگی اقتصاد برای مقابله با شوک‌های داخلی و خارجی واقعی، در نظام های ارزی انعطاف‌پذیر بیشتر است.
اعتبار سیاستی	هر چه اعتبار سیاست‌های ضد تورمی کمتر باشد، نظام ارزی ثابت به عنوان یک لنگر اسمی مناسب‌تر است.

مأخذ: World Economic Outlook; *IMF*: Oct., P. 83, (1997).

در انتخاب نظام ارزی، اهداف یا الویت های خاص، مانند: ایجاد یا بهبود شرایط رقابتی در اقتصاد و نیز نوع شوک‌هایی که اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شوک‌های پولی واقعی داخلی و خارجی) مؤثر است. به علاوه، باتوجه به نوع این شوک‌ها، لنگرهای سیاستی متفاوت مورد توجه قرار می‌گیرد. در نمودار صفحه بعد، انواع لنگرهای سیاستی و متغیرهای درون‌زا در هریک از نظام‌های ارزی مشخص شده است. در واقع، همانگونه که در نمودار ملاحظه می‌شود؛ در هر یک از نظام‌های ارزی براساس ویژگی اقتصاد و اهداف و اولویت‌ها، بانک مرکزی یک متغیر را به عنوان لنگر سیاستی یا متغیر برون‌زا (حجم پول یا نرخ بهره یا نرخ ارز) در اختیار گرفته و اندازه آن را به طور برون‌زا تعیین می‌کند و اجازه می‌دهد تا دو متغیر دیگر تغییر کرده و میزان آنها به صورت درون‌زا در سیستم و باتوجه به عملکرد اقتصاد تعیین شود. در نظام‌های شناور مدیریت شده، علاوه بر اینکه بانک مرکزی یک متغیر را به عنوان لنگرگاه تعیین و آن را در اختیار می‌گیرد؛ اما فقط از اندازه معینی از تغییرات نرخ ارز حمایت می‌کند و اگر نرخ ارز از محدوده تعیین شده، خارج شود؛ دخالت می‌کند. در هریک از نظام‌های مدیریت‌شده نیز نحوهٔ مداخله بانک مرکزی و محدوده مجاز تعیین شده تغییر نرخ ارز، اعلام یا عدم اعلام این محدوده متفاوت است. همانطور که در نمودار مشخص است؛ به جز نظام ارزی ثابت که نرخ ارز را ثابت و لنگرگاه قرار می‌دهند؛ بقیه نظام‌های ارزی، شناور بودن نرخ ارز را به طور کامل یا به صورت کنترل شده، می‌پذیرند.

در واقع، کشورهایی که نظام شناور نرخ ارز را انتخاب می‌کنند؛ بازار ارز را به اندازه کافی شفاف و کارآ تشخیص داده و معتقدند که باید اجازه داده شود تا نرخ های ارز در بازار تا آنجا که ممکن است در مسیری شفاف و باثبات جریان یابند. به علاوه، لازم است که سیاست پولی مناسب و مستقل، به منظور دسترسی به سطح باثبات قیمت‌ها در پیش گرفته شود. طرفداران این نظام معتقدند که نرخ ارز شناور، بهترین نقش را در مواجهه با شوک‌های داخلی بخش واقعی ایفا می‌کند. به این معنی که، در صورت وقوع اینگونه شوک‌ها و اختلال در فرآیند تولید، تغییر نرخ می‌تواند مؤثرترین راه برای بازگرداندن تولید به مسیر تعادلی‌اش باشد.

لنگرهای سیاستی در نظام های مختلف ارزی

نظام ارزی	لنگر سیاستی (متغیر برون زا)	متغیرهای درون زا

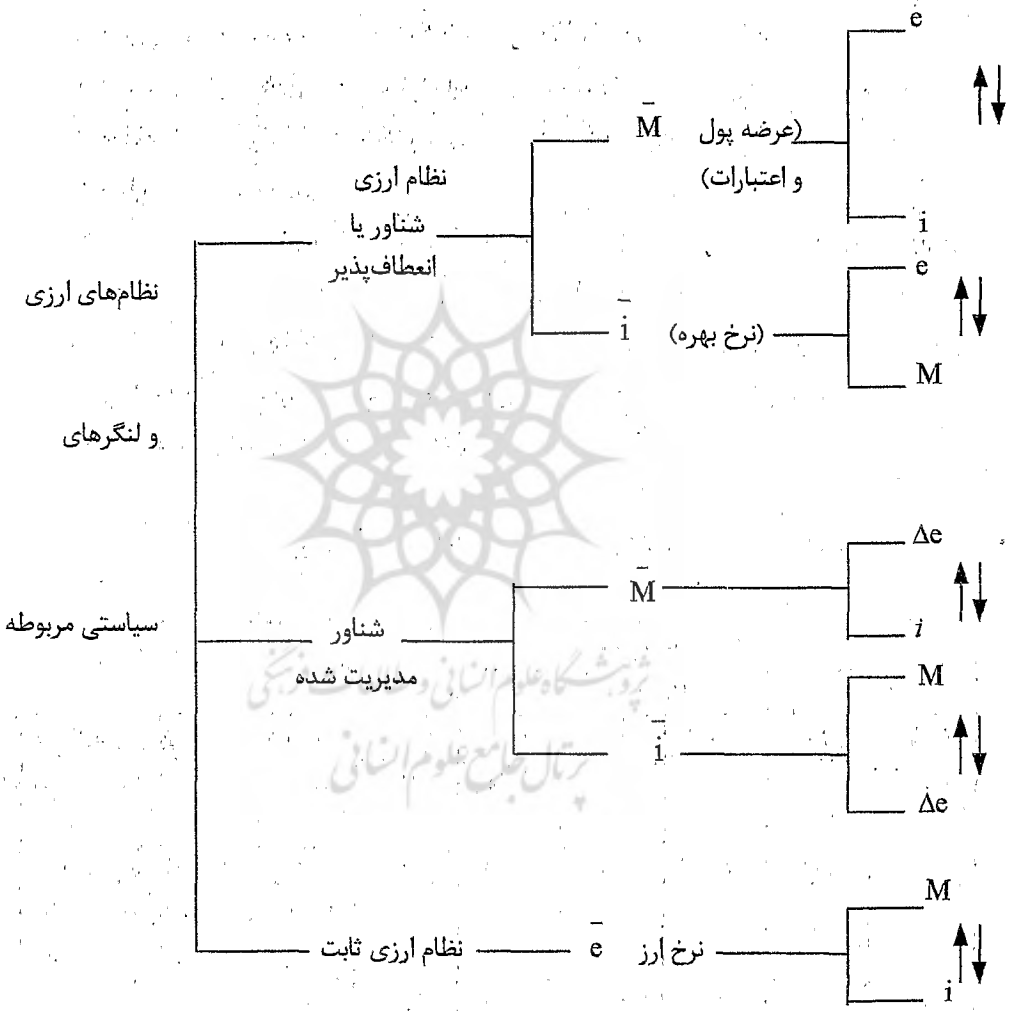

Δe : میزان مشخص از تغییر نرخ ارز مورد قبول است.
M : حجم پول.
i : نرخ بهره.

اما کشورهایی که نظام‌های ارزی ثابت را می‌پذیرند؛ نقش مفیدلنگر نرخ ارز را در کنار عوامل: اقتصادی، تجاری و سیاسی مطرح کرده و معتقدند که نرخ ثابت ارز نقش مهمی را در مقابله با شوک‌ها و آشفتگی‌های پولی داخلی دارد، زیرا در صورت وقوع آشفتگی های پولی داخلی ـ با وجود نرخ ثابت ارز ـ جریان سرمایه به داخل یا خارج می تواند این آشفتگی‌ها را کاهش دهد.

بنابراین، در مجموع باید گفت که انتخاب نوع نظام ارزی بستگی دارد به:

- اهداف یا اولویت‌های خاص، مانند: ایجاد یا بهبودشرایط رقابت در اقتصاد، یا تورم.
- مقابله با نوع شوک‌هایی که اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- شرایط ویژهٔ اقتصادی.

در عمل نیز بین دو نظام شناور مستقل و نظام ثابت ارزی، طیف‌های مختلفی از شناوری و ثبات وجود دارد. بررسی تجربه کشورها طی سال‌های مختلف در زمینه روند تغییر نظام‌های ارزی آنها نیز بیانگر حرکت اکثر این کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه از انتخاب نظام های ثابت ارزی به طرف نظام های شناور و انعطاف پذیرتر ارز و به ویژه شناور مدیریت شده، می‌باشد [جدول شماره (۶)].

جدول شماره ۶ ـ روند تغییرات نظام ارزی انتخابی کشورها طی دو دهه اخیر

نوع نظام	تعداد و درصد از کلّ					
	۱۹۸۹		۱۹۹۵		۱۹۹۹	
تثبیت به یک ارز یا یک سبد ارزی	۹۴	٪۶۱	۶۷	٪۳۷/۲	۷۸	٪۴۲/۲
انعطاف محدود برحسب یک ارز یا یک سبد	۱۳	٪۸/۵	۱۴	٪۷/۸	۶	٪۳/۲
انعطاف‌پذیری بیشتر (تعدیل شده مطابق با مجموعه‌ای از شاخص‌ها، مدیریت شده یا شناور مستقل	۴۶	٪۳۰/۱	۹۹	٪۵۵	۱۰۱	٪۵۴/۶
جمع	۱۵۳	٪۱۰۰	۱۸۰	٪۱۰۰	۱۸۵	٪۱۰۰

مأخذ:

Annual Report, IMF. "Exchange Arrangements and Exchange Restrictions" (1999).

بخش دوم: بررسی اقدامات عملی در راستای ایجاد تحول در نظام ارزی کشور

در این قسمت، ضمن اشاره‌ای مختصر در مورد فرآیند تحولات نظام ارزی در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و چگونگی شکل‌گیری نظام نرخ‌های چندگانه ارزی در کشور و برقراری کنترل‌ها در این باره که با پیامدهای منفی و دشواری‌های فراوان توام بود، اقدامات عملی صورت گرفته در جهت خروج از این شرایط و دستیابی به یک نرخ واحد ارز مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اقدامات که به دلیل فراهم نبودن بسترها و سایر شرایط لازم بعضاً باعدم موفقیت همراه بودند؛ همواره در سال‌های مختلف گذشته مورد توجه مقامات پولی کشور در بانک مرکزی قرار داشته و در برنامه‌های گوناگون توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بر آنها تأکید شده بود. تجربه عدم کامیابی حرکت اول مربوط به اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز و رجعت دوباره به نظام نرخ‌های چندگانه ارزی در اوایل سال ۱۳۷۴ سبب گردید تا مقامات پولی در سال‌های بعد از آن ضمن تداوم مجموعه‌ای از اقدامات احتیاطی و مقرراتی در جهت رفع تنگناها و تثبیت موقعیت، تدابیر لازم دیگری را در جهت فراهم نمودن شرایط و بسترهای لازم برای اعمال سیاست یادشده در ابعاد گوناگون آن به صورتی کاملاً تدریجی اتخاذ نمایند. گام‌ها در این جهت با منظور داشتن استراتژی خروج ـ به ویژه بعد از سال ۱۳۷۶ ـ صورت جدی‌تری به خود گرفته و با اقداماتی، همچون: ایجاد بسترهای لازم قانونی در چهارچوب برنامه های توسعه با همیاری مجلس شورای اسلامی و دولت و رفع موانع در این باره، ایجاد هماهنگی با اقدامات اصلاحی در سایر بخش‌های مالی و تجاری، مهار و کاهش تورم با هدف‌گذاری آن، برخورد با دشواری بدهی خارجی و برقراری مدیریت مطلوب در این باره، رفع کسری تراز پرداخت‌ها، توجه به اهمیت ذخایر ارزی خارجی و مدیریت بهینه آن، ایجاد صندوق ذخیره ارزی، اقدامات گوناگون مرتبط با کاهش تدریجی تعدد نرخ‌های ارز و توسعه بازار معاملات ارزی، واقدامات دیگری که جزئیات مربوط به آنها در ادامه این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، با فراهم

شدن شرایط لازم برای تحقق امر مهم اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و دستیابی به یک نظام ارزی مناسب، این مهم از ابتدای سال ۱۳۸۱ با پیامد موفقیت نسبی طی دوره کوتاه اعمال آن، به مورد اجراء گذارده شد.

۱ـ سیر تحول اقدامات و پیشینهٔ آن

نظام ارزی کشور قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یک نظام تثبیت‌شده به سبد ارزی حق برداشت مخصوص (SDR)[1] بود و نرخ رسمی براساس هر SDR معادل ۹۲/۳۰ ریال تعیین می‌شد. اما پس از وقوع انقلاب و خروج قابل توجه سرمایه از ایران و مشکلات صدور نفت، اعمال کنترل‌های ارزی به منظور حفظ ذخایر ارزی کشور، ضرورت پیدا کرد. در این راستا، نظام نرخ‌های ارز چندگانه شکل گرفت و در کنار آن بازار آزاد غیررسمی ارز نیز بوجود آمد. باوقوع جنگ تحمیلی و نیاز به حفظ تعادل در تراز پرداخت‌های کشور، کنترل‌های ارزی فراوان برقرار، و تعدد نرخ‌های ارز بوجود آمد. به طوری که، در دهه ۱۳۶۰ هفت نرخ تبدیل برای پول ملی وجود داشت. به عبارتی، برای هریک از کالاهای: واسطه‌ای، سرمایه‌ای، اساسی و ... یک نرخ ارز درنظر گرفته شده بود. به هرحال، طی دهه اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران باتوجه به شرایط خاص اقتصادی و به ویژه وقوع جنگ تحمیلی، درآمدهای ارزی به هیچ‌وجه نمی‌توآن است پاسخگوی تقاضای روزافزون ارز باشد و چاره‌ای جز تکیه بر نرخ‌های ارز چندگانه نبود. پس از پایان جنگ تحمیلی، نیاز به بازسازی مناطق جنگی و نیز کمک به راه اندازی و تقویت واحدهای تولیدی به ویژه واحدهای تولیدی و شرکت‌هایی که پس از انقلاب تحت پوشش دولت قرار گرفتند، تخصیص اداری ارز و تداوم نرخ‌های چندگانه ارزی را اجتناب‌ناپذیر کرده بود. با این حال، پس از پایان جنگ تحمیلی باتوجه به پیامدهای منفی فراوان تعدد نرخ‌ها و بازارهای چندگانه ارز، سیاست دولت و مقامات پولی کشور در جهت کاستن تعداد نرخ‌های متفاوت ارز قرار گرفت. به همین دلیل، در اواخر سال ۱۳۶۸ بانک مرکزی با هدف کاستن از تعداد نرخ‌های ارز، دو نرخ ارز رقابتی و شناور را تعیین و صرفاً این دو نرخ را در کنار نرخ ارز رسمی به رسمیت شناخت. نرخ رقابتی برای واردات

---

[1]- Special Drawing Right.

کالاهای: سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز صنایع و به منظور کاهش هزینه‌های تولید واجدهای تولیدی و کاهش قیمت تمام شده کالاها، به ازاء هر دلار ۶۰۰ ریال تعیین شد.[۱] نرخ شناور نیز برای کالاهای ساخته شده مصرفی (فهرست‌شده واردات مجاز) و برخی خدمات، با کمی اختلاف از نرخ بازارآزاد ارز تعیین می‌شد. نرخ ارز رسمی نیز براساس ۹۲/۳ ریال در مقابل هر SDR (ریال ۷۰ = $ ۱) برای تبدیل درآمدهای نفتی، بدهی‌های رسمی خارجی و واردات کالاهای ضروری و واردات مورد نیاز پروژه‌های عمرانی و ارز دانشجویی به کار گرفته می‌شد. [جدول پیوست شماره (۴)]. نرخ‌های فوق در کنار نرخ بازار آزاد در مقطع زمانی ۷۲-۱۳۶۸ ، در بدنه اقتصاد کشور عمل می‌کردند. در سال ۱۳۷۲، باتوجه به آثار و تبعات نامناسب نظام دو یا چندگانه ارزی و اختلالات اقتصادی ناشی از آن به ویژه تأثیرات سوء بر توزیع درآمد و تخصیص منابع، مقرر گردید که نرخ‌های موجود (رسمی، رقابتی و شناور) حول نرخ یک دلار معادل ۱۵۰۰ ریال تثبیت گردیده و این نرخ روزانه توسط بانک مرکزی تحت یک سیستم شناور مدیریت شده، تعیین و اعلام شود. لیکن، افزایش نرخ بازار غیررسمی و واگرایی شدید آن نسبت به نرخ تعیین شده (نمودار پیوست شماره یک)، باعث شد تا حمایت از این نرخ و تسری آن به تمام نقل و انتقالات ارزی امکان پذیر نباشد. در نتیجه، تصمیم گرفته شد تا برای واردات کالاهای ضروری و بازپرداخت بدهی‌های خارجی کوتاه مدت، نرخ رسمی پایه قبلی، و برای واردات برخی از کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، نرخ رقابتی به کار گرفته شود.

از جمله عوامل عدم کامیابی حرکت اول اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲ موارد زیر را می‌توان ذکر نمود:

* کاهش شدید درآمدهای نفتی و عدم پیش‌بینی نحوهٔ مقابله با بروز احتمالی شوک‌های قیمتی منفی در بازار نفت.
* دشواری بدهی‌های تسویه نشدهٔ خارجی که سررسید شده بودند.
* سیاست‌های انبساطی مالی.
* کسری تراز پرداخت‌ها قبل از یکسان سازی.

---

[۱] - نرخ رقابتی در ابتدای معرفی آن از تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۲ تا تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۹، برابر با ۸۰۰ ریال برای هر دلار تعیین شد. اما پس از آن، به ۶۰۰ ریال کاهش و تا پایان سال ۱۳۷۱، این نرخ برقرار بود.

* کافی نبودن ذخایر ارزی.
* عدم هماهنگی لازم در مورد اعمال سیاست‌ها در بخش‌های گوناگون.
* فقدان بستر و شرایط کلان اقتصادی مناسب برای اجرای سیاست یکسان‌سازی.
* عدم توجه به ترتیب و توالی سیاست‌های اقتصادی.
* عدم وجود یک بازار متشکل و رسمی باتجربه و آماده.

به هرحال، مجموعه این عوامل باعث ایجاد اختلال در سیاست یکسان سازی نرخ ارز شدند. به طوری که، این سیاست بیش از ۶ ماه دوام نیاورد.

بدین ترتیب، طی دوره زمانی ۷۶-۱۳۷۳ نیز (بخشی از سال‌های اجرای برنامه دوم) باوجود اینکه طبق مفاد برنامه دوم توسعه اقتصادی ـ اجتماعی، نظام شناور مدیریت شده مبنای نظام ارزی کشور اعلام شده بود و بر یکسان سازی نرخ ارز تکیه داشت؛ اما به ضرورت در کنار نرخ ارز شناور، در ابتدای سال ۱۳۷۳ نرخ ارز صادراتی باهدف تشویق صادرات و کنترل واردات معرفی شد. این نرخ، ابتدا روی ۲۳۶۵ ریال و سپس در سال ۱۳۷۴ در نرخ ۳۰۰۰ ریال برای هر دلار حاصل از صادرات غیرنفتی تثبیت شد و تا پایان سال ۱۳۷۹ به عنوان نرخ رسمی صادراتی به کار گرفته شد. البته صادرکنندگان گواهی نامه یا واریزنامه مبتنی بر فروش ارز صادراتی به سیستم بانکی را می‌توانستند به واردکنندگان دیگر منتقل یا خود به میزان ارز صادراتی ارائه کرده به سیستم بانکی، اقدام به واردات کنند. به همین دلیل، واریزنامه یا گواهی نامه ارزی به منظور واردات کالاهای مجاز در مقابل صادرات، در بازار غیررسمی ارز خرید و فروش می‌شد.

۲ـ استراتژی خروج

نکته حائز اهمیت در زمینه حرکت از یک نظام چندنرخی به یک نظام تک نرخی ارز و انجام موفقیت‌آمیز سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز باتوجه به تجربه کشورهای موفق در این‌باره و تأثیرات تغییرات غیرمنتظره و ناگهانی از چهارچوب رژیم ارزی سابق به رژیم ارزی جدید، آن است که در صورتی که این انتقال دفعتاً و بدون بسترسازی لازم قبلی صورت گیرد، آثار سوء فراوان به همراه خواهد داشت و ممکن است اعتبار سیاست اقتصادی در کل به زیر

سؤال برود.[۱] براین اساس، تجربیات نشان می‌دهد که کشورهای موفق در تغییر نظام ارزی، معمولاً استراتژی خاصی را به عنوان «استراتژی خروج» برای خروج از یک نظام ارزی به نظام دیگر در پیش گرفته‌اند. این استراتژی به لحاظ نقش مهم آن در هدایت سیاست پولی، به عنوان جزیی از یک مجموعه سیاستی اقتصاد، لازم است که با سایر اجزاء هماهنگ باشد. دلیل عمده اتخاذ استراتژی خروج مقابله با فشارهای سوداگرانه و نتایج معکوس اقتصادی ناشی از تغییر نظام ارزی است. استراتژی خروج به ویژه برای کشورهایی که شرایط لازم برای حمایت از رژیم ارزی ثابت برای آنها فراهم نیست و لازم است که رژیم ارزی انعطاف‌پذیری را در یک دوره آرامش نسبی در بازارهای ارزی در پیش گیرند؛ ضرورت دارد. در استراتژی خروج از نظام ثابت به شناور ـ مخصوصاً زمانی که نرخ‌های ارز لنگر اصلی سیاست‌های پولی می‌باشند و تغییر این لنگر انتظارات تورمی دربردارد ـ انتخاب لنگر جدید بسیار مهم است. در این حالت، تورم پایین به عنوان هدف اصلی سیاست‌های پولی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بدین معنی که در شرایط نرخ ارز شناور با کنترل حجم پول، تورم هدف قرار گرفته و کاهش آن دنبال می‌شود.

براین اساس، می‌توان از فقدان یک استراتژی مشخص برای خروج از نظام چندگانه ارزی به عنوان یکی دیگر از عوامل عدم کامیابی اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز در مرحله اول، آن یاد نمود که تلاش‌های بعدی در جهت رفع این نقصان متمرکز گردید.

به این ترتیب، با توجه به اهمیت یکسان سازی نرخ ارز ـ به ویژه در مورد حذف اثرات نامطلوب نرخ‌های چندگانه ارزی بر تخصیص منابع در کشور ـ بهبود شرایط رقابت برای تولیدکنندگان در بخش خصوصی، کاهش اختلال در قیمت‌های نسبی و افزایش تولید و کاهش بیکاری و از طرفی با عنایت به تجربه ناموفق یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲ که بدون داشتن یک استراتژی مشخصی برای خروج از نظام چندگانه ارزی، دفعتاً و بدون توجه به شرایط اقتصادی و فراهم کردن سازوکار لازم صورت گرفت؛ بانک مرکزی در حرکت دوم به سوی یکسان‌سازی نرخ ارز به عنوان مسؤول تنظیم نظام ارزی کشور تصمیم گرفت، با به کارگیری استراتژی مناسبی برای خروج از نظام چندنرخی و تثبیت شده ارز اقدام نماید. این مهم در سال ۱۳۷۶ با بهبود نسبی شرایط اقتصادی کشور، به ویژه با افزایش درآمدهای نفتی و تسریع روند خصوصی‌سازی دنبال گردیده و گام‌های اساسی بعدی در جهت

---

[۱] – این امر، به ویژه زمانی که اقتصاد در یک شرایط بحرانی قرار داشته باشد، حائز اهمیت بالاتری است.

بسترسازی مناسب برای یکسان‌سازی نرخ ارز برداشته شد. اولین اقدام جهت فراهم آوردن بستر مناسب برای اعمال استراتژی خروج، کاهش نرخ تورم بالای در سطح ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۴ از طریق اعمال سیاست‌های انقباضی پولی بود که در نتیجه آن از سال ۱۳۷۵ روند نزولی تورم آغاز گردید.

آنگاه در سال ۱۳۷۶، گام نخست استراتژی خروج از نظام چندگانه ارزی در جهت کاستن نرخ‌های متعدد ارز با اقداماتی به شرح زیر دنبال گردید:

- کاهش پوشش واردات با نرخ شناور رسمی و حرکت به سمت لیست منفی واردات به جای لیست مثبت؛ بر این اساس تعداد اقلام کالاهای وارداتی با ارز شناور کاهش یافت و اجازه ورود اقلام بیشتری از واردات با ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به نرخ صادراتی ۳۰۰۰ ریال برای هر دلار داده شد.
- ایجاد یک بازار رسمی و متشکل برای ارز که صادرکنندگان و واردکنندگان بتوانند در آنجا به طور رسمی با یکدیگر معامله کنند. در این راستا، در مرداد ماه ۱۳۷۶ مقرر شد که واریزنامه‌های صادراتی در بازار بورس به طور رسمی خرید و فروش شود.

بررسی روند تغییرات نرخ ارز صادراتی در بورس و نرخ بازار آزاد نیز گویای آن است که علی‌رغم وجود تفاوت مابین این نرخ‌ها طی سال‌های ۷۸-۱۳۷۶، یک همگرایی مابین آنها بعد از سال ۱۳۷۸ ایجاد شده است.[۱]

اقدامات مربوط به گام دوم استراتژی خروج در جهت یکسان‌سازی نرخ ارز طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ موارد زیر را شامل می‌شد:

- حذف نرخ صادراتی در سال ۱۳۷۹؛ در این سال به صادرکنندگان اجازه داده شد که ارز حاصل از صادرات خود را به عنوان گواهی سپرده ارزی در بورس مورد معامله قرار دهند.
- به منظور آشناکردن و تجهیز شبکه بانکی برای انجام معاملات ارزی، به بانک‌ها اجازه معاملات ارزی برای مصارف خدماتی با نرخ توافقی داده شد.[۲]

---

[۱] - به نمودار شماره (۲) پیوست مراجعه شود.

[۲] - معرفی نرخ توافقی توسط بانک مرکزی، در راستای مفاد قانون برنامه سوم مبنی بر یکسان‌سازی نرخ ارز و همچنین تحقق بند «ث» تبصره (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۰ که دولت را مکلف می‌کند به فراهم‌کردن مقدمات قانونی و امکانات اداری و مالی لازم برای یکسان‌سازی، بود.

• همانگونه که در نمودار شماره (۳) پیوست ملاحظه می‌شود؛ روند نرخ توافقی در ۱۲ ماهه ۱۳۸۰، با تاخیر جزئی مشابه روند نرخ بازار آزاد غیررسمی ارز بوده و هر دو نرخ هرچند با نوساناتی توأم بودند، اما در مجموع از یک روند نزولی برخوردار شدند.

گام سوم استراتژی خروج برای تحقق یکسان سازی نرخ ارز، در فروردین سال ۱۳۸۱ به منظور تکمیل این فرآیند، برداشته شد و آن عبارت بود از:

* ایجاد بازار ارز بین بانکی و انتقال تمامی معاملات ارز، از جمله: معاملات ارز در بورس اوراق بهادار به این بازار .

بدینوسیله امکان جمع‌شدن کلیه عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان ارز در این بازار متشکل فراهم گردیده و همه معاملات ارز به این بازار سوق داده شد. نحوه تعیین نرخ در این بازار (نرخ ارز بین بانکی) نیز براساس مکانیزم عرضه و تقاضا می‌باشد، مگر در صورت بروز نوسانات شدید نرخ ارز در این بازار که برای اقتصاد مخرب باشد. در این حالت، بانک مرکزی به منظور تعدیل نوسانات می‌تواند در بازار دخالت کند[1]. همچنین به منظور تشویق صادرکنندگان به عرضه ارز خود به بازار بین بانکی و افزایش عرضه در آن، اقداماتی به شرح زیر صورت گرفت:

• پیمان ارزی کلیه کالاها و منشاء داخلی یا خارجی‌بودن ارزها حذف و با تأکید بر وجود تنها یک نوع ارز، امکان ورود عرضه‌کنندگان بیشتری به این بازار فراهم گردید.علاوه براین، صادرکنندگان می‌توانند از بانک‌ها اعتبارات صادراتی دریافت کنند. همچنین برای تشویق ورود واردکنندگان به این بازار، علاوه بر حذف نرخ‌های چندگانه، مقررات دست‌وپاگیر اداری در امر تجارت حذف گردید. با اصلاح و تسهیل مقررات شرایط زیر برای واردکننده منظور شده است.

* متقاضی گشایش اعتبار اسنادی می‌تواند طبق استانداردهای بین‌المللی عمل کند. بانک‌ها در تمدید و اصلاح اعتبارات اسنادی گشایش شده، آزادی عمل بیشتری دارند.

---

[1] - بانک مرکزی براساس مفاد بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه ۱۳۸۱، با نظارت کمیته ماده (۸۶) قانون برنامه سوم (کمیته شامل: رئیس‌جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر امور خارجه و رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دو نفر از وزیران به انتخاب هیات وزیران) مسؤولیت تنظیم و ایجاد تعادل در بازار ارز و مدیریت تراز پرداخت‌های ارزی را به عهده دارد و بنابراین، در این چهارچوب می‌تواند در بازار ارز، در صورت لزوم دخالت کند.

همچنین بانک‌ها به صلاحدید خود می‌توانند ضمانتنامه ارزی صادر کنند، مشروط بـه اینکـه برای اخذ وام از خارج نباشد.

* حذف پیش‌پرداخت‌ها اعتبارات اسنادی جهت واردات.

* برای استفاده از تسهیلات تأمین مالی مجدد[1] و تسهیلات بانک توسعه اسلامی شـرایط مناسب‌تر شده است.

در واقع، هدف کلیه این اقدامات آن است که هم واردکننده و هم صادرکننده معاملـه در این بازار را به نفع خـود دآن اسـته و سـرانجام بـا افزایـش عمـق و گسـتره ایـن بـازار، بـازار غیررسمی ارز را به حاشیه هدایت شده و سرانجام از بدنه اقتصاد کشور حذف شود.

مقایسه روند نرخ ارز در بازار غیررسمی ارز در فروردین ماه و نیمه اردیبهشت ۱۳۸۱ کـه بازار بین بانکی رسمیت یافته است، با روند آن در ماه‌های مشابه سال قبـل گویـای آن اسـت که نرخ ارز طی مدت مذکور پایین‌تر از نرخ‌های مشابه سال قبل آن بوده است.[2] بنـابراین، بـه نظر می‌رسد که تاکنون بازار ارز بین بانکی در کاهش نرخ ارز در بازار غیررسمی ارز ـ کـه در واقع به معنی خروج تعداد بیشتری از تقاضاکنندگان از این بازار می‌باشد ـ موفق بوده اسـت. انتظار می‌رود به تدریج با افزایش اعتماد و تسریع انجام معاملات در این بازار و افزایش تعداد بانک‌ها و مؤسسات مالی مجـاز بـه انجـام معاملـه در ایـن بـازار، تعـداد بیشـتری از عرضـه و تقاضاکنندگان به این بازار جذب و شرایط رقابتی بیشتری فراهم شود. شرایطی که در نـهایت به نفع مصرف‌کننده نهایی ارز خواهد بود. بانک مرکزی نیز با تحقق سیاسـت یکسـان سـازی نرخ ارز در این برهه از زمان، بـه منظـور اطمینـان از عملکـرد مناسـب نظـام ارزی، پیوسـته شاخص‌هایی، مانند: تـرازپرداخت‌هـا، صـادرات غـیرنفتی، جریـان ورود و خـروج سـرمایه‌ها و تغییرات آنها را تحت نظر قرار می‌دهد؛ تا در صورت لـزوم تعدیـلات لازم را در ایـن بـاره بـه عمل آورد.

۳ـ الزامات و پیامدها

تنها افراد بهره‌مند از وجود نرخ‌های ارز چندگانه در اقتصاد و نیز عده‌ای از کارشناسان بـا

---

[1]- Refinance.

[2] - نمودار شماره (۴) پیوست.

استناد به تجربه ناموفق یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲، بر این باورند که اعمال این سیاست مانند گذشته موفقیتی دربرنخواهد داشت و آثار تورمی به ویژه در زمینه افزایش قیمت کالاهای اساسی به دنبال داشته و کسری بودجه دولت را تشدید خواهد نمود. در پاسخ به نظریات مخالف در این باره باید گفت که:

اولاً : در مجموع، شرایط و ثبات اقتصادی کشور در این مقطع زمانی از بهبود به مراتب بالاتری برخوردار بوده و با شرایط مربوط به تجربه گذشته یکسان سازی نرخ ارز کاملاً متفاوت می‌باشد.

ثانیاً : بسترهای مناسب لازم برای اجرای این سیاست فراهم گردیده و اقدامات احتیاطی لازم صورت گرفته است. از جملهٔ این اقدامات و شرایط می‌توان از: ایجاد حساب ذخیره ارزی و برقراری مدیریت بهینه ذخایر، اصلاح مدیریت بدهی‌های خارجی و کاهش این بدهی‌ها، فقدان کسری تراز پرداخت‌ها، کاهش تورم، ایجاد بسترهای قانونی مورد لزوم، ایجاد بازار ارز بین بانکی و غیره یاد نمود. برای بررسی چگونگی بهبود شرایط اقتصادی در این مرحله از یکسان‌سازی نرخ ارز ـ در مقایسه با مرحله نخست آن ـ وضعیت اقتصاد کشور از سال ۱۳۶۹ در مقاطع زمانی چهارساله مورد مطالعه قرار گرفته است. مقدار متوسط متغیرهای کلان اقتصادی در هر مقطع طی جدول شماره (۴) پیوست مورد همسنجی قرار گرفته و نتایجی به شرح زیر حاصل گردید:

* کاهش قابل ملاحظه متوسط نرخ تورم در مقطع زمانی ۸۰-۱۳۷۷ ، در مقایسه با دو مقطع دیگر. نمودار شماره (۵) پیوست مقاله مؤید این امر است.
* افزایش متوسط نرخ بیکاری؛ از جمله عوامل: افزایش نرخ بیکاری، رشد جمعیت و عدم گسترش فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوصی است؛ علت عمده آن نیز فراهم نبودن شرایط رقابت بخش خصوصی با بخش دولتی است. یک عامل محدودکنندهٔ شرایط رقابتی نیز وجود نرخ‌های ارز چندگانه و استفاده قابل ملاحظه بخش دولتی و شرکت‌های تحت پوشش دولت از ارز ارزان و در نتیجه، تحریف قیمت‌های نسبی بوده است. به این معنی که قیمت کالاها و نهاده‌های وارداتی به درستی ارزش واقعی آنها را منعکس نکرده و در نتیجه ارزانی نسبی واردات، تولید داخلی این کالاها توان رقابت با کالاهای مشابه وارداتی را نداشتند. بنابراین، انتظار می‌رود با یکسان‌سازی نرخ ارز شرایط رقابت برای فعالیت بخش خصوصی فراهم شود و این امر افزایش اشتغال و

کاهش نرخ بیکاری را به دنبال داشته باشد.

* کاهش متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹؛ عوامل یادشده فوق به طور عمده و نیز فراهم نبودن شرایط لازم برای سرمایه گذاری خارجی در کشور، از جملهٔ دلایل این کاهش می‌باشد. پیش بینی می‌شود که یکسان سازی نرخ ارز و ایجاد بازار ارز بین بانکی، گامی مثبت در جهت ورود سرمایه گذاری‌های خارجی باشد؛ مشروط براینکه شرایط لازم قانون نیز برای سرمایه گذاری خارجی فراهم شود.
* کاهش بدهی‌های خارجی و بهبود تراز پرداخت‌ها [نمودار شماره (۶)]، همانطور که قبلاً ذکر شد؛ یکی از عوامل عدم موفقیت سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲، وجود بدهی‌های تسویه نشده خارجی سررسیده شده و نیز کسری ترازپرداخت‌ها قبل از یکسان‌سازی بود که در این مرحله این دشواری‌ها مرتفع شده است. علاوه بر این، اصلاح مدیریت بدهی‌های خارجی و تغییر ترکیب بدهی‌ها به طرف بدهی‌های بلندمدت‌تر، شرایط بهتری را در مقایسه با گذشته فراهم نموده است.
* افزایش قابل ملاحظه متوسط سپرده‌های غیردیداری و نقدینگی؛ در واقع افزایش قابل ملاحظه سپرده‌های غیردیداری در مقطع زمانی ۸۰-۱۳۷۷ در مقایسه با مقاطع زمانی پیش از آن، بیانگر افزایش اعتماد مردم به سیستم بانکی و مهیابودن حجم قابل ملاحظه‌ای از اعتبارات در سیستم بانکی جهت سرمایه گذاری بخش خصوصی است. به ویژه، با وجود سیاست‌های پولی دولت طی سال‌های اخیر و کاهش تسهیلات تکلیفی مطابق با مفاد برنامه سوم توسعه اقتصادی ـ اجتماعی، در این مقطع زمانی، بخش خصوصی برای کسب اعتبارات به منظور سرمایه گذاری در رقابت با بخش دولتی، از وضعیت بهتری برخوردار است.

در مورد دشواری افزایش نقدینگی در این برهه، گفتنی است که بانک مرکزی برای موفقیت هرچه بیشتر سیاست یکسان سازی و کاستن آثار تورمی احتمالی آن بر لزوم کنترل نقدینگی وقوف کامل دارد. انتشار اوراق مشارکت که مورد استقبال نیز قرار گرفته است، تلاشی در این جهت می‌باشد. به علاوه، با توجه به سیاست دولت در زمینه افزایش واگذاری شرکت‌های دولتی از طریق بورس اوراق بهادار، انتظار می‌رود که مقداری از نقدینگی از طریق بورس جذب شود.

* افزایش قابل ملاحظه حجم معاملات در بورس اوراق بهادار نیز بیانگر افزایش

خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی به مردم از طریق بورس اوراق بهادار و نیز دسترسی شرکت‌ها به منبع دیگری از تأمین مالی نیازهای خود غیر از اعتبارات بانکی است. همچنین رونق گرفتن بورس و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران مشوقی برای سرمایه‌گذاری مردم از طریق بورس اوراق بهادار خواهد بود که در جذب نقدینگی نیز مؤثر است.

بنابراین، در مجموع تقویت بورس اوراق بهادار به عنوان مهمترین نهاد بازار سرمایه در کشور نقش مؤثری در رشد اقتصادی و تقویت بنیه اقتصادی کشور دارد.

* در مورد وضعیت متغیر تشکیل سرمایه ثابت به عنوان شاخصی از سرمایه گذاری در کشور به گونه‌ای که در جدول پیوست شماره (۴) نشان می‌دهد؛ می‌توان گفت که متوسط تشکیل سرمایه ثابت به قیمت ثابت ۱۳۶۹ در مقطع زمانی ۸۰-۱۳۷۷ در مقایسه با مقطع زمانی ۷۲-۱۳۶۹ افزایش و در مقایسه با مقطع زمانی۷۶-۱۳۷۳ کاهش یافته است. علت عمده تفاوت قابل توجه بین متوسط تشکیل سرمایه ثابت در دو مقطع زمانی ۷۶-۱۳۷۳ و ۸۰-۱۳۷۷، انجام پروژه‌های سدسازی وسیع در طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۳ بوده است.

* افزایش سهم کسری بودجه دولت در تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت؛ همانگونه که در جدول پیوست شماره (۴) ملاحظه می شود؛ سهم کسری بودجه دولت در تولید ناخالص داخلی طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۷۷ در مقایسه با دوره مشابه ۷۲-۱۳۶۹ افزایش چندانی نداشته، لیکن در مقایسه با مقطع زمانی ۷۶-۱۳۷۳ افزایش داشته است. علت عمده این روند آن است که در مقطع ۷۶-۱۳۷۳ مقدار زیادی از کسری بودجه دولت در بودجه شرکت‌های دولتی منعکس شده بود. به هر حال، متغیر کسری بودجه باید مورد توجه خاص قرار گرفته و به شدت کنترل شود. در بند (ث) تبصره (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۰ نیز به عنوان یکی از شروط یکسان‌سازی نرخ ارز تصریح شده است که یکسان‌سازی نباید باعث افزایش بدهی‌های دولت در سال ۱۳۸۱ و سال‌های بعد شود. بنابراین، لازم است که دولت سیاست خصوصی سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی (که در حدود ۶۰ درصد از بودجه دولت را به خود اختصاص می‌دهند) را کماکان همچون سال‌های اخیر دنبال کند و با اجتناب از سیاست‌های مالی انبساطی و با رعایت انضباط مالی بیشتر در پی کاهش کسری بودجه باشد. همچنین سیاست تأمین کسری

بودجه از طریق فروش اوراق مشارکت طرح‌های عمرانی و فروش اوراق مشارکت توسط شرکت‌های نیمه دولتی همچون گذشته باید دنبال شود. علاوه بر این، اصلاح سیستم مالیاتی نیز باید زمینه‌های جلوگیری از فرار مالیاتی واحدهای اقتصادی در سطوح کلان را فراهم آورد.

بنابراین، مقایسه متغیرهای کلان اقتصاد در مقاطع مختلف اجرای یکسان‌سازی نرخ ارز در مجموع نشان می‌دهد که شرایط و ثبات اقتصادی کشور در این مرحله از یکسان‌سازی نسبت به مرحله قبل آن از بهبود چشمگیری برخوردار بوده و کاملاً متفاوت با شرایط اقتصادی در مقطع زمانی ۷۲-۱۳۶۹ است. لذا، با کنترل حجم نقدینگی و کسری بودجه دولت، سیاست یکسان‌سازی نرخ ارزدر این مقطع می‌تواند بدون دربرداشتن پیامدهای نامطلوب بر اقتصاد، اجرا شود. به ویژه، با وجود حساب ذخیره ارزی می توان در صورت بروز شوک‌های قیمتی منفی نفت، با این شوک‌ها مقابله نمود. جدول شماره (۸) پیوست تصویر کلی مقایسه‌ای شرایط کلی اقتصاد کشور را طی دو مرحله از یکسان‌سازی نرخ ارز ارائه می‌نماید.

افزایش قیمت کالاهای اساسی و حذف احتمالی یارانه این کالاها یکی دیگر از نگرانی‌های موجود در رابطه با یکسان‌سازی نرخ ارز می‌باشد. در این خصوص نیز باید گفت در بند (ب) تبصره (۲۹) قانون بودجه ۱۳۸۰ در این مورد صراحت داشته و در بودجه سال ۱۳۸۱ ردیف بودجه‌ای تحت عنوان ما به التفاوت نرخ ارز کالاهای یارانه ای وجود دارد که طبق آن علاوه بر مبلغ رقم یارانه حدود ۴۰،۰۰۰ میلیارد ریال، رقم ۲۰،۰۰۰ میلیارد ریال نیز به عنوان مابه التفاوت یارانه در نظر گرفته شده است. بنابراین، می توان گفت که بار مالی نرخ گران ارز در سال ۱۳۸۱ تا حد زیادی از طریق این ردیف هزینه ای جبران شده است. در مورد استمرار یارانه کالاهای اساسی نیز باید گفت؛ از آنجا که مقدار این یارانه‌ها در بودجه کشور بسیار محدود است[1]، مشکلی از این نظر در مورد استمرار آنها وجود ندارد.

در مورد اثرات تورمی احتمالی سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز می‌توان گفت که چون آثار تورمی عمدتاً از طریق گسترش‌های بودجه‌ای و کسری بودجه دولت بر سیستم اقتصادی تحمیل می‌شود؛ لذا در صورتی که دولت خود را به کاهش کسری بودجه مقید نماید و

---

[1]- حدود ۱۵/۶ درصد بودجه عمومی دولت و ۵/۷ درصد بودجه کل کشور.

تأمین کسری خود از طرق دیگری غیر از استقراض از بانک مرکزی همچون جملـه انتشـار اوراق مشارکت و واگذاری شرکت‌های دولتی تامین نموده و انضباط مالی را بـر هزینـه هـای دولت حاکم نماید؛ در این صـورت، بـا اتخـاذ سیاسـت‌های پولـی ضدتورمـی از سـوی بـانک مرکزی، تاحدود زیادی آثار تورمی سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز خنثی خواهد شد.

تأمین ریالی مـا بـه التفـاوت نـرخ ارز در مـورد تعـهدات ارزی کوتـاه‌مدت سررسیدشـده می‌تواند از جمله عوامل دیگر ایجاد آثار تورمی در سال ۱۳۸۱ قلمداد شود. در این مورد، ایـن تاثیر احتمالی پیش بینی می‌شود که بتوان با استفاده از منابع حساب ذخیره ارزی بتـوان بـه طور کلی اثر آن را خنثی نمود. به این طریق، هیچگونه عملیات حسـابداری در مـورد معـادل ریالی بازپرداخت بدهی‌های سررسیدشده صورت نخواهد گرفت و لذا تأثیری بر پایـه پولـی و نقدینگی نخواهد گـذارد[1]. عـامل دیگـر؛ ایجـاد آثـار تورمـی، آثـار بـالقوه انبسـاطی افزایـش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی ناشی از تجدید ارزیابی آنها می‌تواند باشـد. دراین خصـوص نیز باید گفت؛ از آنجاکه براساس بند (ب) مـاده (۲۶) قـانون پولـی و بـانکی کشـور هـرگونـه افزایش درآمد در اثر تغییر نرخ برابری ارز باید با کاهش مشابه در بدهی‌های دولت بـه بـانک مرکزی خنثی شود؛ بنابراین، در این صورت تغییری در پایـه پولـی بوجـود نمی‌آیـد و اثـرات انبساطی ترازنامه بانک مرکزی خنثی گردیده و آثار تورمی از این ناحیه حاصل نمی‌شود.

در هر حال، بانک مرکزی نیز مانند گذشـته، سیاسـت‌های ضدتورمـی خـود را از طریـق سیاست‌های پولی دنبال می‌نماید و لازم است که دولت نیز از طریق سیاست‌های بودجـه‌ای و مالی مناسب ضمن هماهنگی بـا سیاسـت‌های پولـی ضدتورمـی بـانک مرکـزی، از سیاسـت یکسان‌سازی نرخ ارز نیز حمایت مقتضی به عمل آورد.

۴ـ استراتژی نظام ارزی شناور مدیریت‌شده

باتوجه به مطالعات فراوان صورت گرفته در بانک مرکزی و سایر مراکز دانشـگاهی، نظـام ارزی شناور مدیریت‌شده به عنوان نظام ارزی مناسب برای کشـور انتخـاب گردیـد. در مـورد علت انتخاب نظام ارزی شناور مدیریت شده، باید گفت؛ اصولاً وابستگی شدید اقتصاد کشـور

---

[1] – برخلاف تجربه گذشته یکسان‌سازی نرخ ارز که ایجاد حساب ذخیره تعهدات با تاثیرات منفی در این باره همراه بود.

به درآمدهای نفتی سبب شده است که عرضه ارز در کشور عمدتاً تحت تأثیر مستقیم درآمدهای نفتی و تحولات این بازار باشد. براین اساس، اقتصاد کشور نسبت به شوک‌های قیمتی نفت و شوک‌های رابطه مبادله حساس است و همچنین توسعه بازار پول و سرمایه نیز در اقتصاد کشور به اندازه‌ای نمی باشد که بتواند اثر این شوک‌ها را در صورت بروز تعدیل کند. بنابراین، با توجه به اهمیت این شوک‌ها، لنگرقراردادن نرخ ارز منطقی نبوده و در نتیجه لازم است که ضمن پذیرش انعطاف‌پذیری نرخ ارز، در صورت وقوع نوسانات شدید دخالت بانک مرکزی در بازار ارز نیز به صورت قانونمند انجام شود.

به طور کلی، نظام ارزی شناور مدیریت شده، نظامی با قوانین کاملاً تعریف شده است و کشورهایی که نظام ارزی شناور مدیریت شده دارند، حداقل ۵ راهکار شناخته شده زیر را در این باره به کار گرفته‌اند:

* راهکار عام آن است که بانک مرکزی با خرید ارز در زمان افزایش ارزش پول ملی و فروش آن وقتی ارزش پول ملی کاهش می‌یابد، در بازار ارز دخالت نماید.
* ثابت نگاه‌داشتن نرخ ارز و تعدیل آن تحت فشارهای بازار استراتژی دیگر در این زمینه است. به این معنا که مقامات پولی به طور موقت نرخ ارز را ثابت نگاه می‌دارند؛ تا اینکه فشارهایی در بازار شکل گیرد. در این صورت، آنها اجازه می دهند که نرخ ارز تا جایی تغییر نماید که فشارهای بازار فروکش کند. آنگاه در آن نقطه آنها مجدداً نرخ ارز را تثبیت و آن را در محدوده جدید تا بروز فشارها یا شوک‌های بعدی ثابت نگاه می‌دارند.
* از حرکت نرخ ارز در یک محدوده مشخص اعلام نشده به عموم، حمایت می‌شود.
* بانک مرکزی براساس یک نرخ مرجع، اعلام‌نشده به عموم در بازار ارز عمل می‌کند؛ به این معنی که وقتی تشخیص داده شد که ارزش پول ملی قوی‌تر از هدف موردنظر است؛ به منظور کاهش ارزش آن در بازار ارز دخالت می‌کند و زمانی که تشخیص داده شد ارزش پول ملی ضعیف‌تر از هدف موردنظر است، به منظور تقویت ارزش پول ملی در بازار ارز دخالت می‌شود.
* دخالت در بازار ارز زمانی اتفاق می‌افتد که نرخ ارز بیشتر از حد مورد نظر بوده از محدوده نرخ مرجع اعلام نشده، فاصله گرفته و منحرف شده باشد.

در این شرایط، بانک مرکزی برای هدف‌گیری تورم از ابزار نرخ ارز استفاده نکرده، و بر کاهش نرخ تورم از طریق سیاست‌های پولی و مالی مناسب تاکید خواهد داشت.

بخش سوم: بازار ارز بین بانکی

ضرورت ایجاد بازار ارز بین بانکی و فرآیند تشکیل آن

موضوع ایجاد بازار بین بانکی پس از تائید اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز مورد توجه قرار گرفت. براین اساس، باتوجه به تجربه سایر کشورها در این باره و نیز نظر به تجربه ناموفق نخستین مرحله از یکسان‌سازی در سال ۱۳۷۲، ضرورت ایجاد یک بازار متشکل ارز که دسترسی تمامی عرضه و تقاضاکنندگان ارز در سراسر کشور به آن امکان‌پذیر باشد؛ لازم تشخیص داده شد. بنابراین، در واقع هدف از تشکیل این بازار ایجاد یک بازار متشکل ارز برای تمامی معاملات مجاز ارزی و نهادینه‌سازی این عملیات را با حضور کلیه تمامی عرضه و تقاضاکنندگان در این بازار تحت یک شرایط یکسان رقابتی برای کلیه معامله گران در بخش‌های مختلف می باشد، تا از طریق مکانیزم عرضه و تقاضا نرخ ارز تعیین شود. به این ترتیب، با واقعی شدن نرخ ارز، در سایر بازارها مکانیزم قیمت‌ها بهتر عمل کرده و سرانجام قیمت‌های نسبی واقعی در تمامی بازارها حاکم شده و پدیده اختلال قیمت‌های نسبی واقعی ناشی از وجود نظام ارزی چندگانه به طور کلی از اقتصاد حذف شود و شرایط رقابت برای بخش خصوصی و فعالان اقتصادی دراین بخش فراهم شود. در نهایت، با آزادسازی تدریجی بازار سرمایه و برداشتن محدودیت‌های تجاری، اشتغال افزایش یافته و با دسترسی به هدف رشد و توسعه اقتصادی سطح رفاه عمومی افزایش یابد.

در فرآیند تشکیل بازار ارز بین بانکی در کشور، همزمان با انتقال معاملات ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی و انجام این معاملات با نرخ توافقی در سال ۱۳۸۰، جلسات متعددی با حضور مقامات پولی در بانک مرکزی و سیستم بانکی کشور به منظور رایزنی پیرامون نحوه اجرای عملیات بازار ارز بین بانکی و نحوه تعیین نرخ ارز در نظام تک نرخی، برگزار شد.نتایج حاصل از این جلسات و بررسی‌ها بر لزوم ایجاد شرایط لازم برای تشکیل بازار یادشده با انجام اقدامات اولیه در مواردی به شرح زیر تاکید می نمود:

* تدوین مقررات حاکم بر بازار ارزو تعیین محدوده عملیات و معاملات.

* تدوین و تعدیل سیستم‌های حسابداری در بانک مرکزی و بانک‌ها.
* طراحی و اجرای نظام تسویه و پرداخت.
* تدارک تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و شبکه‌ای.
* تدوین آئین‌نامه نحوه مداخله در بازار ارز.
* تدوین مقررات و ضوابط نظارتی و دستورالعمل‌های آن.
* آموزش پرسنل بانک‌ها و بانک مرکزی.
* تدوین مقررات لازم به منظور استفاده و کاربرد ابزارهای بازارهای بین‌المللی ارز.

لذا، برای انجام این اقدامات مقرر شد که کمیته‌های شش گانه مربوط، به شرح زیر تشکیل شوند:

۱ـ کمیته راهبردی

وظیفه این کمیته، تدوین خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلان و نظارت بر کار سایر کمیته‌ها و کنترل پیشرفت کار آنها بود.

۲ـ کمیته تدوین مقررات

تدوین دستورالعمل تفصیلی برای معاملات و عملیات ارزی بانک‌ها در سطح خرده‌فروشی، بازرگانی و خدماتی توسط شعب بانک‌ها، تدوین رابطه شعب با امور بین‌الملل، رابطه اداره بین‌الملل بانک‌ها با یکدیگر و با بانک مرکزی، موسسات اعتباری غیربانکی و صرافی‌ها به طور جداگانه، تدوین آیین‌نامه مداخله در بازار و ترسیم گردش عملیات و معاملات بین بانکی، از جملهٔ وظایف عمده این کمیته منظور شده بود.

۳ـ کمیته نظارت و تدوین دستورالعمل‌های حسابداری

تدوین دستورالعمل‌های لازم برای تجدید ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی از ابتدای سال ۱۳۸۱ و نحوهٔ ثبت و نگهداری حساب‌ها و موارد دیگر مربوط به عملیات حسابداری از وظایف عمده کمیته بود.

۴ـ کمیته طراحی و پیاده‌سازی نظام تسویه و پرداخت

وظیفه اصلی این کمیته طراحی تفصیلی نظام پرداخت و تسویه و تدوین آیین‌نامه

اجرایی و دستورالعمل‌های مربوطه بود.

۵ـ کمیته آموزش

وظیفه این کمیته تدوین دستورالعمل آموزشی برای کارکنان بانک‌ها در کلیه سطوح درگیر در اجرای طرح و نیز دستورالعمل نحوه آموزش به عموم مردم و بازرگانان می‌باشد.

۶ـ کمیته تدارکات و تجهیزات

وظیفه عمده این کمیته تدوین نیازهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، از طریق همکاری و هماهنگی با کمیته‌های یاد شده فوق، طراحی یا تدارک تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز در بانک‌های تجاری و بانک مرکزی کشور بود.

تدوین مقررات و تهیه تجهیزات و نرم‌افزارهای مورد لزوم و انجام اصلاحات لازم در سیستم حسابداری و ایجاد یک نظام تسویه و پرداخت مورد نیاز بازار ارز بین بانکی، از جمله دستاوردهای فعالیت کمیته های فوق بود که در طی یکسال و با بیش از ۲۴۰،۰۰۰ نفر/ساعت کار به انجام رسید. پس از تدوین مقررات و تهیه نیازهای تجهیزاتی، آموزش لازم به کارکنان بانک‌ها ارائه گردیده و در هشت استان بزرگ کشور سمینارهای مختلف آموزشی در زمینه انجام معاملات ارز در بازار بین بانکی برای آنان برگزار شد.

سرانجام بازار ارز بین بانکی در اوایل سال جاری شروع به کار کرد.

در مجموع، در زمینهٔ تعریف بازار ارز بین بانکی در کشور و سازوکار آن می‌توان گفت که در واقع بازار ارز بین بانکی ایران یک بازار عمده‌فروشی برای معاملات ارزی دربرابر پول ملی است که قیمت ارز در آن براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. مشارکت‌کنندگان در بازار در تعیین نرخ‌های خرید و فروش ارز برای مشتریان خود و در میان یکدیگر آزاد هستند.

مشارکت‌کنندگان در این بازار، شامل: معامله‌گران مجاز، بانک‌های تجاری عضو و بانک مرکزی می‌باشند. بانک مرکزی می‌تواند در این بازار به صلاحدید خود یا برای انجام معاملات ارز خارجی به حساب دولت یا به حساب خود اقدام به خریدوفروش ارز نماید. هدف بانک مرکزی از شرکت در این بازار نیز افزایش ذخایر ارزی یا مقابله با نوسانات شدید نرخ ارز و بی‌نظمی‌های این بازار می‌تواند باشد. همچنین بانک مرکزی می‌تواند به منظور دفاع از یک

نرخ یا یکنواخت‌کردن نوسانات بازار ارز، اقدام به معامله در بازار بین بانکی کند. با این حال، دخالت‌های بانک مرکزی به گونه‌ای نخواهد بود که به تضعیف نقش بازار در قیمت‌گذاری بیانجامد. بنابراین، بانک مرکزی نقش نظارتی و نه کنترل مستقیم جریان ارز خارجی در بازار بین بانکی را به عهده دارد. سازمان‌های مالی غیربانکی حتی واحدهای اقتصادی بزرگ و مهم نمی‌توانند به طور مستقیم در این بازار شرکت کنند. همچنین، علاوه بر بانک‌های تجاری و بانک مرکزی، برخی از معامله‌گران محلی ارز (صرافان) دارای مجوز فعالیت در این بازار می‌توانند به عنوان بازارساز به افزایش نقدینگی و کارآیی بازار کمک کنند. افراد عادی و موسسات نیز می‌توانند از طریق بانک‌ها و یا معامله گران مجاز، در بازار بین بانکی اقدام به معامله ارز نمایند.

اشخاص مجاز به استفاده از نظام تسویه و پرداخت صرفاً کسانی هستند که مجاز به عضویت در نظام تسویه و پرداخت می‌باشند. پذیرش اعضاء جدید با درخواست متقاضی و احراز شرایط توسط بانک مرکزی و پذیرش و اعلام آن به کلیه اعضاء است. متقاضیان باید خود را ملزم به رعایت مقررات نظام تسویه و پرداخت نمایند و دارای سخت‌افزار و نرم‌افزار و نیروی انسانی متخصص باشند.

بانک مرکزی می‌تواند در صورت قصور عضو و از دست دادن شرایط لازم به تشخیص بانک عضویت آن را ابطال یا به حالت تعلیق درآورد (مثلاً در صورتی که عضو نقدینگی لازم جهت پرداخت تعهدات خود را نداشته باشد)

هر عضو باید یک فقره حساب جاری (تحت عنوان: حساب ویژه تسویه ریالی) جهت تمرکز تسویه ریالی معاملات ارزی بین بانکی خود، نزد بانک مرکزی افتتاح نماید. در این حساب تمامی عملیات تسویه ریالی ناشی از خرید یا فروش ارز توسط عضو منعکس می‌گردد.

بانک مرکزی در پایان هر روز صورتحساب‌های ویژه تسویه ریالی و اعلامیه‌های بدهکار و بستانکار مربوطه را تهیه و برای صاحبان حساب ارسال خواهد کرد. علاوه بر این، بانک مرکزی هر روزمیانگین وزنی نرخ بین بانکی معاملات انجام شده در بازار بین بانکی در روز قبل را محاسبه و در پایان هر روز آن را به عنوان نرخ مرجع از طریق سیستم خبری رویترز به تمامی بانک‌ها اعلام و همزمان در اختیار رسانه‌های گروهی و سایر سازمان‌های ذیربط قرار می‌دهد. نرخ مرجع آن گروه از ارزهای جهان را که در معاملات بین بانکی مورد معامله

واقع نشوند، با توجه به برابری آنها در مقابل دلار آمریکا در بازارهای بین‌الملل محاسبه و اعلام خواهد شد. نرخ مرجع مبنای عملیات حسابداری برای سیستم بانکی و نیز اعلام به مراجع مختلف است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

بانک مرکزی از ابتدای سال ۱۳۸۱ به طور همزمان اقدام به یکسان‌سازی نرخ ارز، تغییر نظام ارزی از تثبیت به شناورمدیریت‌شده و نیز ایجاد بازار ارز بین بانکی نمود. همانطور که در بخش اول این مقاله بیان شد؛ حذف نرخ‌های چندگانه ارزی و یکسان‌سازی نرخ ارز به منظور حذف اثرات سوء نرخ‌های چندگانه ارز از جمله اختلال در تخصیص منابع، اختلال در قیمت‌های نسبی ناشی از یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم و تضعیف شرایط رقابتی برای فعالان اقتصادی، افزایش فعالیت‌های سوداگرانه ارزی و رانت‌خواری اقتصادی ناشی از تخصیص اداری ارز، مورد تائید محققان اقتصادی قرار گرفته است. تجربه کشورهای مختلف نیز بیانگر این است که نرخ‌های ارز چندگانه در هیچ کشوری به عنوان یک نظام کارآمد و پایدار مورد استفاده قرار نگرفته؛ بلکه به صورت مقطعی و به منظور رفع عدم تعادل در ترازپرداخت‌ها و در شرایط حاد تورمی به کار گرفته شده است. بررسی‌های به عمل آمده نیز نشان می‌دهد که اثربخشی نرخ‌های ارز چندگانه محدود و کوتاه‌مدت می‌باشد. در مقابل، همانگونه که در بخش نظری مقاله به آن اشاره شد؛ سیاست یکسان سازی نرخ ارز با منافع و تأثیرات مثبت فراوان اقتصادی در ابعاد گوناگون همراه می‌باشد. بررسی پژوهش‌های گوناگون صورت گرفته در این باره نیز بیانگر ارتباط نزدیک این سیاست با بهبود موقعیت پارامترهای کلان اقتصادی در مواردی همچون: سطح اشتغال، رشد اقتصادی، تجارت، سرمایه‌گذاری و غیره می‌باشد که در این میان به ویژه ارتباط مثبت آن با افزایش اشتغال در حال خاص کشور ما واجد اهمیت ویژه‌ای می باشد.

بانک مرکزی باتوجه به درس‌های حاصل از تجربه ناموفق یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲، و نیز تجربیات سایر کشورها در خصوص یکسان‌سازی نرخ ارز، این بار مصمم گردید که پس از فراهم شدن شرایط اقتصادی مناسب و به کارگیری یک استراتژی خروج از نظام چندگانه ارزی بستر و سازوکارهای لازم برای تک‌نرخی‌شدن ارز را فراهم نماید. براین اساس،

با طی یک برنامه تدریجی با هدف‌گیری تورم و کاهش آن در طی زمان، بهبود مدیریت بدهی‌های خارجی و افزایش ذخایر ارزی، کاستن تدریجی از تعداد اقلام واردات با نرخ شناور (رسمی) و هم جهت با آزادسازی تدریجی تجاری و بهبود تراز پرداخت‌ها و حصول ثبات نسبی اقتصادی، نهایتاً در سال ۱۳۷۶ گام نخست استراتژی خروج برای ایجاد یک بازار متشکل و رسمی ارز که در آن واردکنندگان و صادرکنندگان به عنوان تقاضا و عرضه‌کنندگان ارز بتوانند در آن جمع شوند، برداشته شد. به طور همزمان، به تدریج از تعداد اقلام کالاهایی که با نرخ شناور وارد می‌شدند، کاهش و ورود آنها با ارز حاصل از صادرات امکان‌پذیر شد. در سال ۱۳۷۹ گام دوم از استراتژی خروج با حذف نرخ ارز صادراتی و امکان نقل و انتقال گواهی سپرده ارزی به جای واریزنامه در بورس فراهم گردید. سپس، به بانک‌ها اجازه انجام معاملات ارز برای مصارف خدماتی با نرخ توافقی داده شد. در همین حال، کماکان برنامه کاهش تعداد اقلام وارداتی با نرخ شناور ادامه پیدا کرد. علاوه براین، در سال ۱۳۸۰ طرح ایجاد یک بازار ارز بین بانکی در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت. با تشکیل کمیته‌های کاری مختلف به منظور تهیه مقررات معاملات ارز بین بانکی و تهیه تجهیزات و آموزش لازم به پرسنل بانک‌ها و اصلاح سیستم حسابداری و طراحی یک سیستم تسویه معاملات ارزی بین بانک‌ها، امکانات لازم برای ایجاد این بازار فراهم گردید. سرانجام، در سال ۱۳۸۱ سومین گام استراتژی خروج ـ یعنی تشکیل و ایجاد بازار ارز بین بانکی و سمت‌دادن تمامی معاملات ارزی مجاز به این بازار رسمی ارز ـ برداشته شد. علاوه براین، برای تقویت این بازار و تشویق صادرکنندگان به صادرات و فروش ارز خود در این بازار، پیمان‌های ارزی لغو و امکان دسترسی به اعتبار ارزی صادراتی نیز برای صادرکنندگان فراهم گردید. درخصوص واردات نیز ضمن اینکه با حذف نرخ‌های چندگانه ارزی بسیاری از مقررات دست‌وپاگیر حذف و با دادن اختیار بیشتر به بانک‌ها درخصوص تمدید و اصلاح اعتبارات اسنادی گشایش یافته و نیز امکان صدور ضمانتنامه ارزی توسط بانک‌ها و به صلاحدید خودشان (به جز در مورد اخذ تسهیلات از کشورهای خارجی) و نیز حذف پیش‌پرداخت واردات و تسهیل شرایط در استفاده از تسهیلات تأمین مالی مجدد، شرایط بهتری نیز فراهم شد. بدین ترتیب، یکسان‌سازی نرخ ارز بهمراه بازار ارز بین بانکی شرایط رقابت برای تمامی فعالان اقتصادی را فراهم نموده و موجبات افزایش تولید و کاهش بیکاری و نهایتاً ارتقاء رفاه عمومی را فراهم خواهد نمود.

بررسی انواع نظام‌های ارزی موجود نیز نشان می‌دهد که هرچند در بین دو نظام ثابت و شناور کامل انواع نظام‌های ارزی از جمله شناور مدیریت‌شده وجود دارد؛ اما روند حرکت کشورها به طرف حرکت از نظام‌های ثابت به شناور و شناور مدیریت‌شده می‌باشد. از این رو، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران معتقد است که باتوجه به شرایط اقتصادی کشور و وابستگی آن به درآمدهای نفتی و بی‌ثبات‌بودن این بازار و آسیب‌پذیری اقتصاد کشور نسبت به شوک‌های خارجی و نظر به توسعه‌نیافتگی بازارهای مالی کشور (بازارهای: پول، سرمایه و ارز) ضمن پذیرش انعطاف‌پذیربودن نرخ ارز، میزانی از دخالت بانک مرکزی در بازار ارز به صورت قانونمند برای جلوگیری از نوسانات شدید نرخ ارز لازم می‌باشد و این به معنی پذیرش نظام ارزی شناور مدیریت شده است.

پایداری سیاست تک نرخی ارز و اصلاح ساختار آن که خمیرمایه اصلاح بخش خارجی اقتصاد و نیز زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به شمار می‌رود؛ در گرو وجود شرایط استقلال عمل بانک مرکزی در اجرای سیاست مناسب پولی جهت مهار تورم و ایجاد ثبات در اقتصاد از یک سو و حفظ انضباط مالی دولت از سوی دیگر می‌باشد. به این ترتیب، ضمن اجتناب از بی‌نظمی و نوسانات شدید قیمتی در اقتصاد، اعتبار سیاست‌ها و سیاستگزاری در کشور حفظ گردیده و پایه‌های رشد پایدار غیرتورمی نیز فراهم می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۷ـ ساختار نظام ارزی و وضعیت کلان اقتصاد کشور در مقاطع زمانی چهارساله

دوره زمانی	ساختار نظام ارزی	متوسط نرخهای ارز موجود(ریال برحسب دلار)طی دوره	متوسط میزان متغیرهای کلان دریخش واقعی و مالی(بازار پول و سرمایه) اقتصاد در مقاطع زمانی چهارساله	
(۷۲-۱۳۶۹)	* نرخ رسمی برای تبدیل درآمدهای نفتی، بدهی های رسمی خارجی، واردات کالاهای ضروری، واردات مورد نیاز پروژه های عمرانی و نیازهای ارزی دانشجویان * نرخ رقابتی برای واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه مورد نیاز صنایع * نرخ شناور برای کالاهای ساخته شده مصرفی و برخی خدمات و خرید ارز حاصل از صادرات * نرخ بازار رسمی	سال‌های ۷۱-۶۸ حدود ۷۰ ریال در سال ۷۲ با اجرای سازی نرخ ارز به ۱۲۶۷/۷ ریال افزایش یافت ۶۰۰ ۱۴۳۶/۱۲۵ ۱۵۳۴/۶	● رشد تولید ناخالص داخلی: (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹) (درصد) ● نرخ تورم: (درصد) ● نرخ بیکاری: (درصد) ● متوسط سهم کسری بودجه دولت در تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (درصد) ● کسری / مازاد تراز پرداختها (میلیون دلار) ● بدهی خارجی (میلیون دلار) ● نقدینگی: (میلیارد ریال) ● میزان سپرده های غیردیداری (میلیارد ریال) ● حجم معاملات بورس اوراق بهادار (میلیارد ریال) ● تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)	۸/۳ ۱۹/۳ ۱۱/۶ ۷/۷ -۷۵۶/۸ ۱۴۴۱۸/۶ ۳۳۸۹۹/۷ ۱۷۹۹۵/۶ ۳۵۲/۷ ۱۱۳۵۹/۳
(۷۶-۱۳۷۳)	* نرخ شناور (رسمی) در ابتدا مقرر شد که با یکسان سازی تمامی معاملات ارزی با این نرخ باشد اما این سیاست بیش از ۶ ماه دوام نیاورد و بتدریج این نرخ محدود شد به واردات کالاها و خدمات ضروری و بدهی‌های رسمی خارجی و تبدیل درآمد صادرات نفت * نرخ صادراتی[۵] و صادراتی واریزنامه‌ای (مجموع نرخ ارز صادراتی و قیمت واریزنامه در بازار بورس) برای صادرات غیرنفتی و واردات فهرست شده مجاز * نرخ بازار غیررسمی	۱۷۵ ۴۶۵۴ (متوسط نرخ صادراتی واریزنامه‌ای‌بربورس‌است) ۳۹۸۸/۴	● رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹) (درصد) ● نرخ تورم: (درصد) ● نرخ بیکاری: (درصد) ● متوسط سهم کسری بودجه دولت در تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (درصد) ● کسری / مازاد تراز پرداختها (میلیون دلار) ● بدهی خارجی: (میلیون دلار) ● نقدینگی: (میلیارد ریال) ● میزان سپرده های غیردیداری (میلیارد ریال) ● حجم معاملات بورس اوراق بهادار (میلیارد ریال) ● تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)	۴ ۳۱/۳ ۱۰/۶ ۰/۱ ۱۰۷۷ ۱۸۴۰۴/۳ ۹۹۴۳۸/۸ ۵۱۶۹۵/۱ ۲۲۶۸/۳ ۲۹۸۰۷/۸
(۸۰-۱۳۷۷)	* نرخ شناور(رسمی) برای واردات کالاها و خدمات ضروری و بدهی‌های رسمی خارجی و صادرات نفت. * نرخ صادراتی واریزنامه‌ای و گواهی سپرده ارزی (در سال ۷۹ با حذف نرخ صادراتی مقرر شد که صادرکنندگان ارز حاصل صادرات را تحت عنوان گواهی سپرده ارزی در بورس بفروشند) * نرخ توافقی بین بانکی برای مصارف خدماتی * نرخ بین بانکی در سال ۱۳۸۱ مقرر شد تمامی معاملات ارز از طریق شبکه بانکی و با نرخ بین بانکی بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا صورت می گیرد. * نرخ بازار غیررسمی	۱۷۵۰ ۷۳۲۵/۷۵ (در بازار بورس) ۷۹۹۳ ۷۹۳۰ ۷۸۱۹/۹	● رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹) (درصد) ● نرخ تورم: (درصد) ● نرخ بیکاری: (درصد) ● متوسط سهم کسری بودجه دولت در تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (درصد) ● کسری / مازاد تراز پرداختها (میلیون دلار) ● بدهی خارجی: (میلیون دلار) ● نقدینگی: (میلیارد ریال) ● میزان سپرده های غیردیداری(میلیارد ریال) ● حجم معاملات بورس اوراق بهادار (میلیارد ریال) ● تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)[۶]	۳/۳ ۱۵/۶ ۱۵/۷ ۱/۸ ۲۹۶۲/۳ ۱۰۷۹/۷ ۳۰۰۷۳۳/۸ ۱۳۴۹۴۱/۶ ۶۳۵۵/۴ ۱۲۲۷۵/۹

۱ - ابتدا در سال ۱۳۷۳، ۵۰ ریال کمتر از نرخ بازار صرافان مجاز تعیین شد و سپس در سطح ۲۳۶۵ ریال تثبیت شد. در سال ۱۳۷۴ در حدّ ۳۰۰۰ ریال تثبیت گردید که تا سال ۱۳۷۹ ادامه داشت.

۲ - آمار تشکیل سرمایه، تررر پرداخت‌ها و بدهی‌های خارجی در سال ۱۳۸۰ براساس آمار ۹ ماهه سال است.

جدول شماره ۸ ـ تصویر کلی اقتصاد کشور در دو مرحله یکسان‌سازی نرخ ارز

شاخص‌های اقتصادی	مرحله اول یکسان‌سازی ۱۳۷۲	مرحله دوم یکسان‌سازی ۱۳۸۱
تورم	بالا	کاهش یافته
کسری/ مازادترازپرداخت‌هاپیش‌ازیکسان‌سازی	کسری	مازاد
سطح ذخایر ارزی	پائین	بالا
وضعیت بدهی‌های خارجی	کوتاه‌مدت و سررسیدشده	بلندمدت و کاهش یافته
کسری/مازاد بودجه	کسری	کسری
خصوصی‌سازی	کم	زیاد
نقدینگی	بالا	بالا، اما تحت کنترل
توسعه بازارپول (بانک‌ها و موسسات مالی خصوصی)	وجود نداشت	فعال شده‌اند
توسعه بازار سرمایه (حجم معاملات بورس اوراق بهادار)	بسیار کم	افزایش حجم معاملات بورس
سیاست‌های مالی و پولی	انبساطی	انقباضی
پیش‌بینی مقابله با شوک‌های نفتی	استقراض خارجی	ایجاد حساب ذخیره ارزی و استفاده از آن
انضباط مالی دولت	ضعیف	مورد توجه خاص است
مکانیزم تعیین نرخ ارز پس از یکسان‌سازی	مشخص نبود	بازار ارز بین بانکی

نمودار شماره ۱

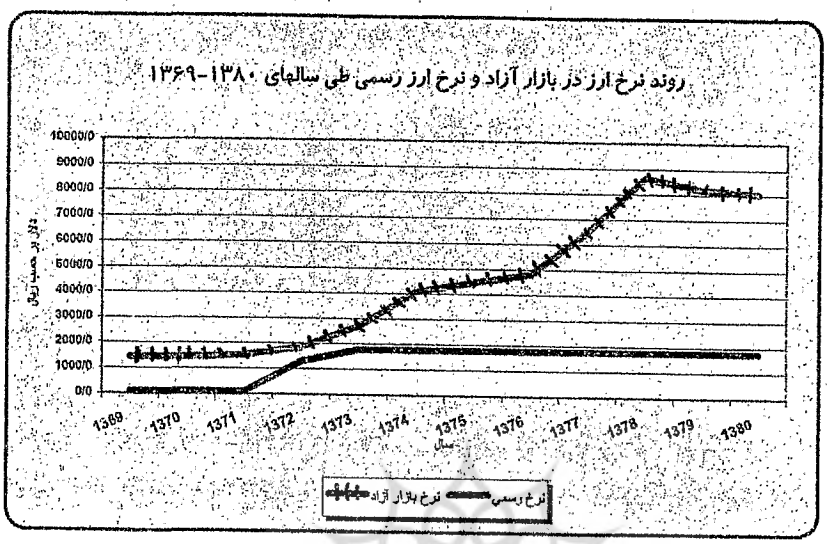

نمودار شماره ۲

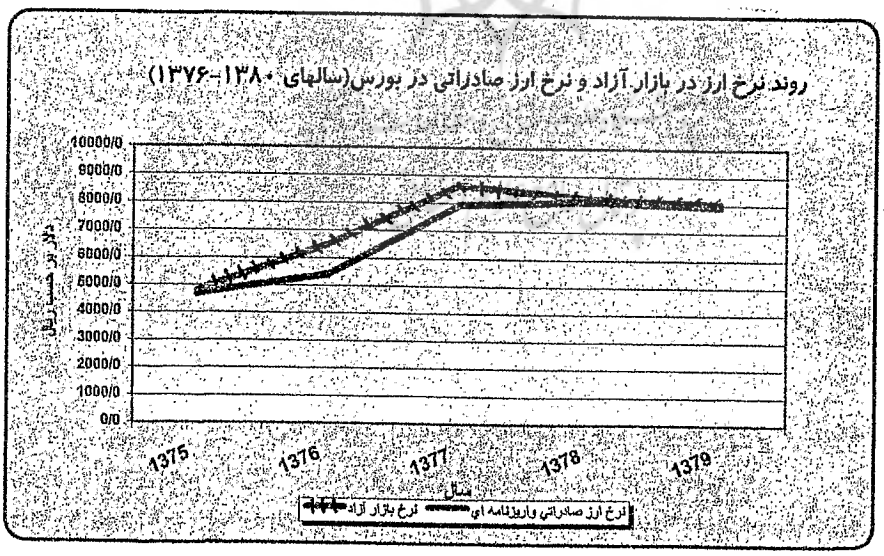

نمودار شماره ۳

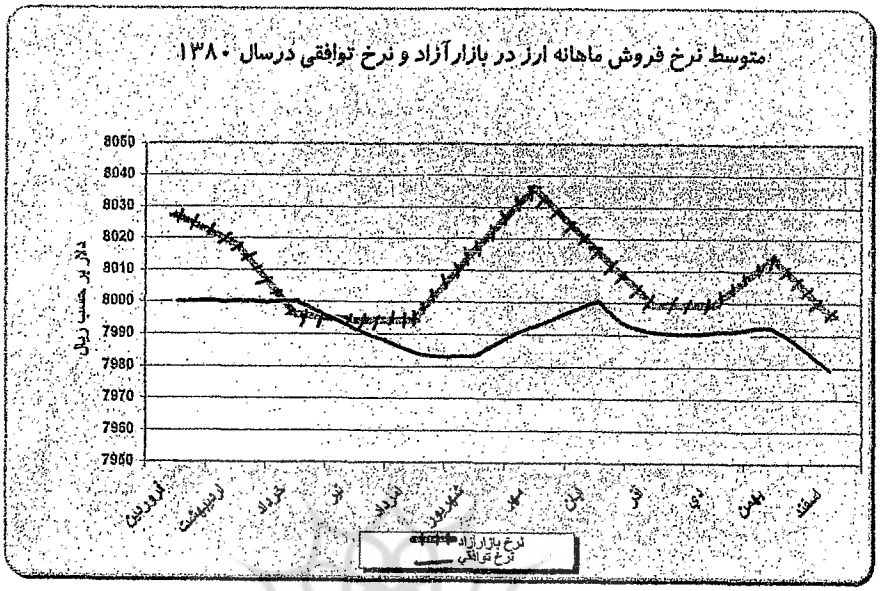

نمودار شماره ۴

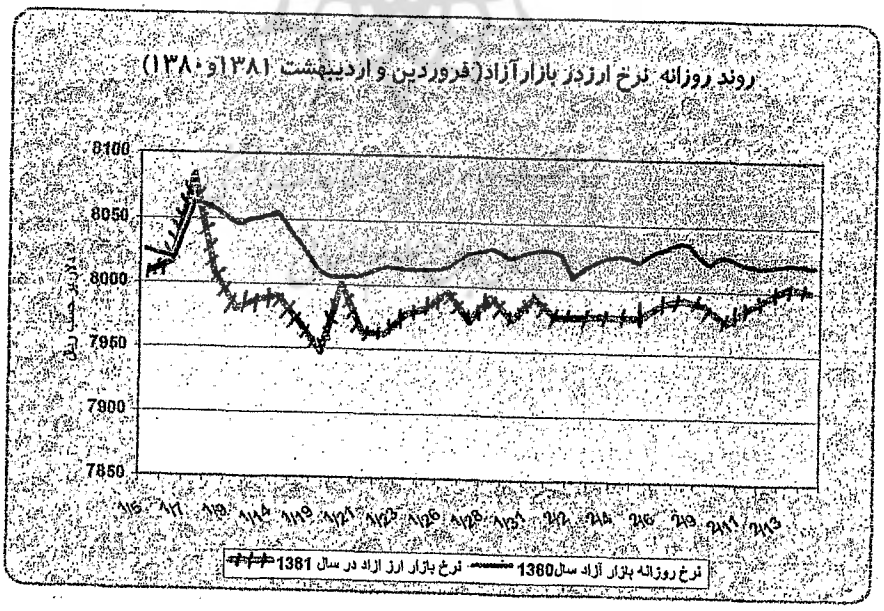

نمودار« فرآیند تسویه ریالی معاملات ارز» در بازار ارز بین بانکی

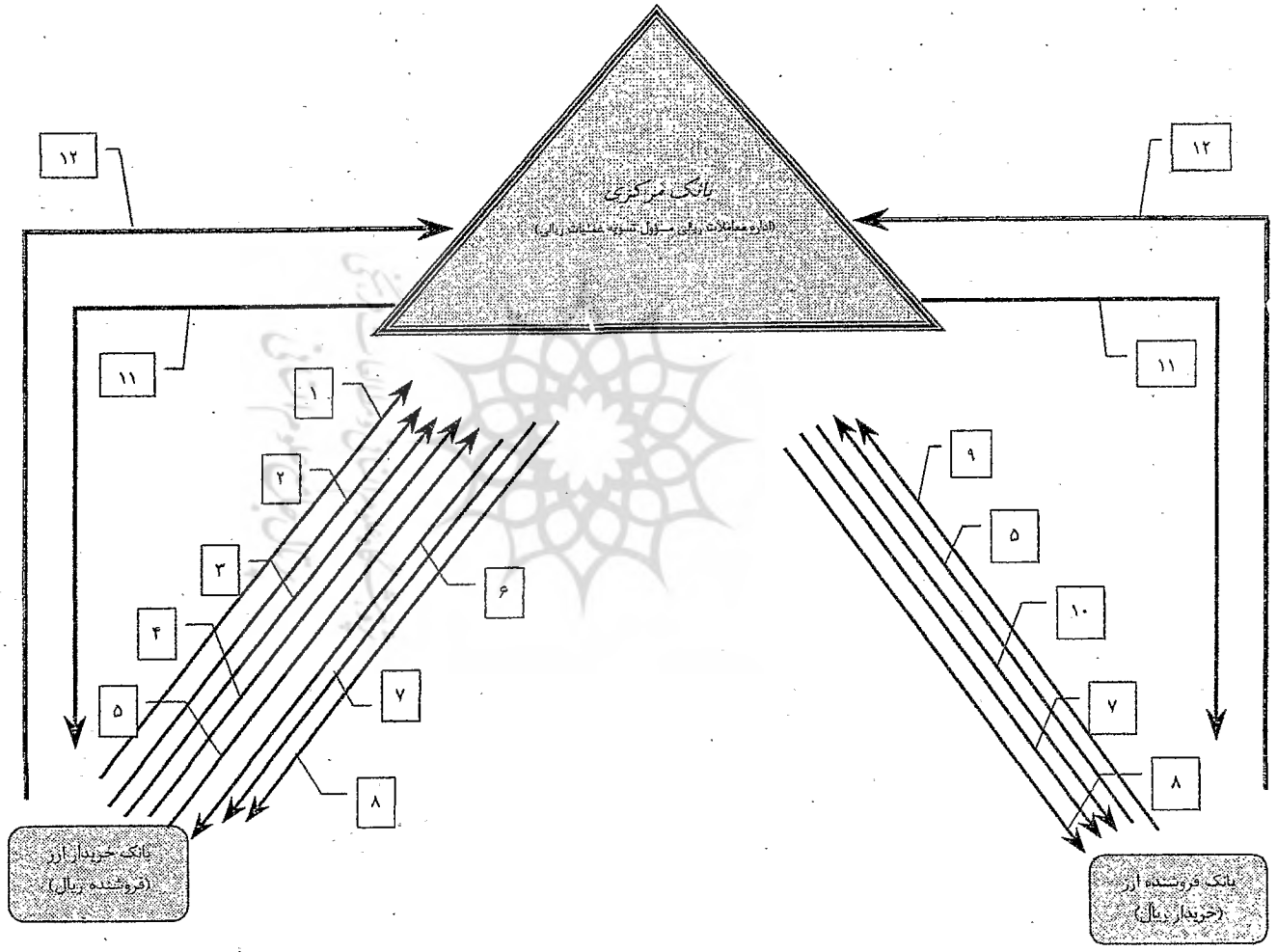

توضیحات نمودار «فرآیند تسویه ریالی معاملات ارز» در بازار ارز بین‌بانکی

۱- دستور پوشش حساب ریالی خود.
۲- دستور پوشش حساب‌های ریالی خود.
۳- دستور پرداخت ریال.
۴- دستور پرداخت‌های ریال.
۵- درخواست ابطال پیام.
۶- تأییدیه بدهکاری حساب.
۷- صورت ریز دستور پرداخت‌ها و اعلامیه‌های دریافت ریال در انتظار اجرا، در روز والـور معامله.
۸- صورتحساب نهایی.
۹- اعلامیه دریافت ریال.
۱۰- تأییدیه بستانکاری حساب.
۱۱- اعلام مغایرت.
۱۲- اعلام اصلاحات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست مآخذ

فارسی

- بانک مرکزی ج.ا.ا.، حساب‌های ملی با آخرین تجدیدنظر طی سال‌های ۷۹-۱۳۳۸.
- بانک مرکزی ج. ا. ا.، نماگرهای اقتصادی، سال‌های مختلف.
- بانک مرکزی ج. ا. ا.، موسسه تحقیقات پولی و بانکی (۱۳۷۳). نرخ ارز شناور در کشورهای در حال توسعه.
- بورس اوراق بهادار تهران. سالنامه بورس، سال‌های مختلف.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. نشریه مجلس و پژوهش، ویژه‌نامه بودجه سال ۱۳۸۱، شماره ۳۱.
- مجموعه مقالات یازدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی (۱۳۸۰). مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. .

انگلیسی

- *Annual Report, IMF*. "Exchange Arrangements and Exchange Restrictions", (Various Issues).

- Bari, Faisal & Basudeb Guha (2000). "Sources of Growth in South Asian Countries", Lahore University, Lahore.

- Caramazza, Francesco & Jahangir Aziz (1998). "Fixed or Flexible, Getting the Exchange Rate Right in the 1990s", *IMF, Economic Issues*, No. 13.

- Dhonte, Pierre & Mangal Goswami (2002). "Islamic Republic of Iran: Openness and Employment", 12th Annual Conference on Monetary and Exchange Policies, MBRI, Central Bank of I.R.I, May.

- Dhonte, Pierre (2002). "Does Exchange Rate Unification Lead to Higher GDP Growth", Memorandum for Files, Aug. 13.

- International Monetary Fund "Exchange Rate Regimes for Emerging Market Economies", Discussion Paper, Prepared by French and Japanese Staff.

- Edwards, Sebastian (1997). "Openness, Productivity, and Growth", Econpapers, No. 5978, NBER.

- Ghosh, Atish R. & Ann-Marie Guide (1996). "Does the Exchange Rate Regimes Matter for Inflation and Growth", *IMF, Economic Issues*, No.2.

- *IMF Staff Papers* (1999). "Exchange & Capital Controls as Barriers of Trade", Vol. 46, No. 1, March.

- *IMF, Occasional Paper* (1987). "Floating Exchange Rate in Developing Countries, Recent Experience with Auction and Interbank Markets", No. 53 .

- *IMF* (1997). "World Econimic Outlook", October Issue.

- IMF Staff Team (1998). "Exit Strategies, Policy Options for Countries Seeking Greater Exchange Rate Flexibility", *Occasional Paper*, No. 168.

- Latter, Tong (1996). "The Choice of Exchange Rate Regime", Bank of England.

- Micheal Lazare Sundararajan & Williams (1999). "Exchange Rate Unification, the Equilibrium Real Exchange Rate and Choice of Exchange Rate Regime- The Case of the Islamic Republic of Iran, *IMF Working Paper*, January.

- Orts, Cuadros & Alquacil (2000). "Openness and Growth: Re-examining Foreign Direct Investment, Trade and Output Linkages in Latin America", Credit Research Paper, No 01/04.

- Quirk, Peter J. (1996). "Exchange Rate Regimes as Inflation Anchors", *Finance & Development*.

- Vittorio & Gian Maria (1995). "Economic Effects and Structural Determinants of Capital Controls", *IMF Staff Papers*, Vol. 42, No. 3,

September.

- Williamson, John & Senior Fellow (1999). "Future Exchange Rate Regime for Developing East Asia", Presented to a Conference on Asia in Economic Recovery, Singapore, June.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی